اصول و مبانی دموکراسی

اصول و مبانی دموکراسی

حقوق پایه و الزامات

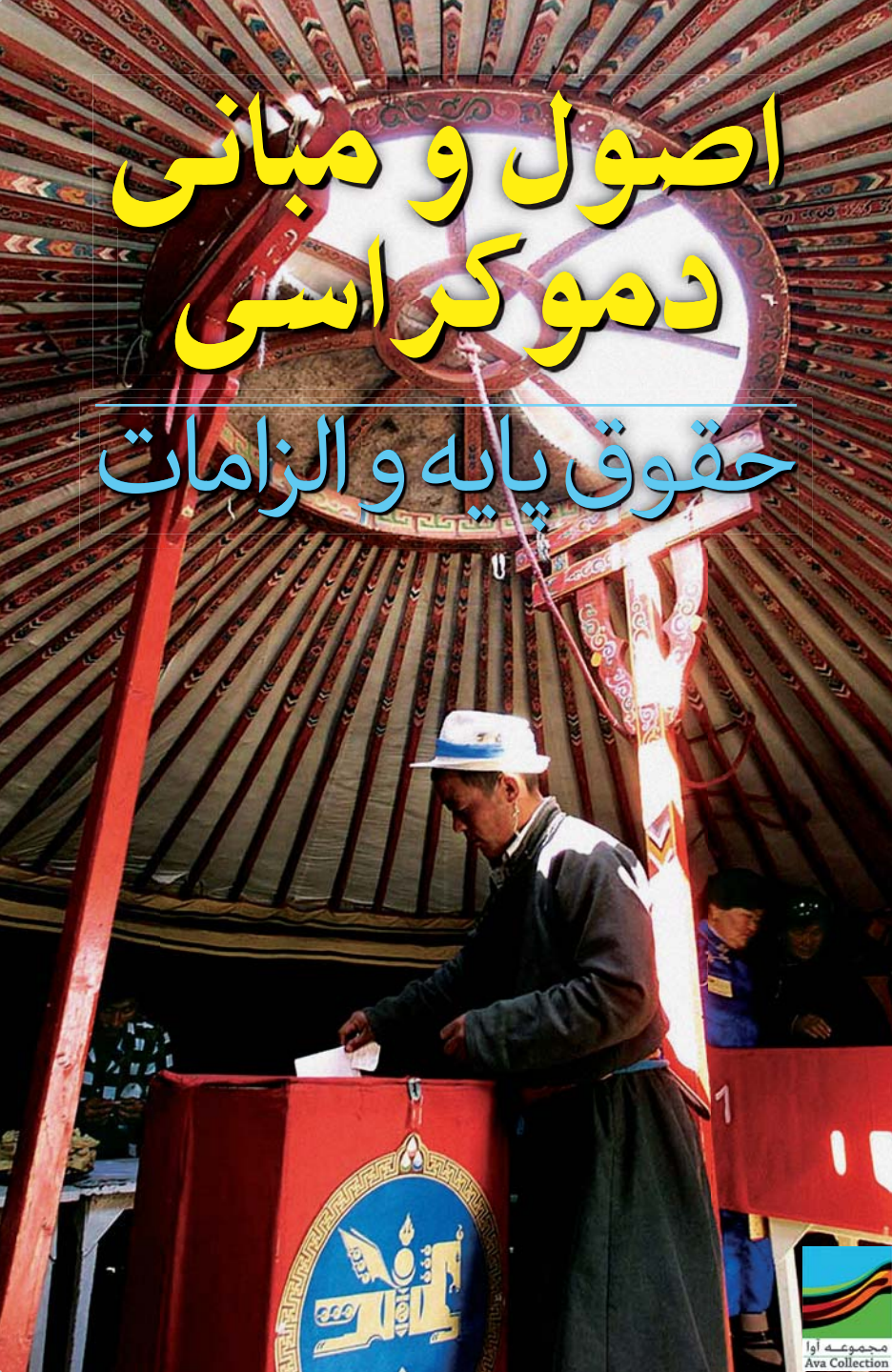

مجموعه آوا
Ava Collection

دموکراسی چیست؟

دموکراسی برگرفته از واژه یونانی دِموس، به معنای مردم است. در حکومت های دموکراتیک، این مردم اند که بر قانونگذار و دولت حکومت می کنند.

اگر چه تفاوت های جزئی میان حکومت های دموکراتیک مختلف جهان به چشم می خورد، برخی اصول و شیوه های خاص، دولت های دموکراتیک را از سایر اشکال دولت متمایز می سازند.

★ دموکراسی نوعی از حاکمیت است که کلیه شهروندان در آن، چه مستقیم و چه غیر مستقیم و از طریق نمایندگان منتخب خود، از قدرت سود می جویند و وظائف مدنی خود را انجام می دهند.

★ دموکراسی مجموعه ای از اصول و روش ها یی است که از آزادی انسان دفاع می کند؛ دموکراسی نهادینه شدن آزادی است.

★ دموکراسی بر پایه حکومت اکثریت و حفظ حقوق فردی و اقلیت ها استوار است. جوامع دموکراسی، ضمن احترام به خواست اکثریت، مدافع سرسخت حقوق اساسی افراد و همچنین گروه های اقلیت هستند.

★ جوامع دارای دموکراسی نظاره گر تشکیل دولت های مرکزی با قدرت هستند و با هدف تمرکز زدایی، آنها را به سطوح ایالتی و محلی تقلیل می دهند با درک این که دولت های محلی باید در حد امکان در دسترس و پاسخگوی مردم باشند.

★ جوامع دارای دموکراسی می دانند که یکی از وظایف اصلی شان دفاع از حقوق اولیه ای همچون آزادی بیان، آزادی دین، حق برخورداری برابر از سوی قانون، و فرصت سازماندهی و مشارکت کامل در امور سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی یک جامعه است.

★ جوامع دارای دموکراسی به طور منظم انتخابات آزاد و عادلانه ای برگزار می کنند که همه شهروندان حق شرکت در آن را دارند. در شیوه دموکراسی، انتخابات نمی تواند نمایی ظاهری باشد که دیکتاتورها و یا حزب خاص در پشت آن مخفی شوند، بلکه، انتخابات رقابت های واقعی با حمایت مردم هستند.

★ جوامع دارای دموکراسی دولت ها را قانون مدار می سازند و متضمن این امر هستند که تمامی شهروندان از حمایت یکسان قانون برخوردار باشند و دستگاه حقوقی از حقوق شان دفاع کند.

★ جوامع دارای دموکراسی متفاوت از یکدیگر هستند و هر یک از آنها حیات سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی خاص ملت خود را منعکس می کند. جوامع دارای دموکراسی همگی بر پایه یک سری اصول اساسی نه شیوه های یکسان استوار اند.

★ در یک حکومت دموکراتیک، شهروندان نه تنها دارای حق و حقوقی می باشند، بلکه موظف به مشارکت در سیستم سیاسی ای که از حقوق و آزادی ها یشان دفاع می کند هستند.

★ جوامع دموکراتیک به ارزش هایی همچون تحمل ، همکاری، و مدارا پایبند هستند. جوامع دموکراسی دریافته اند که برای دستیابی به وفاق، مدارا لازم است و همچنین اینکه شاید وفاق همیشه قابل حصول نباشد. به قول ماهاتما گاندی، "عدم تحمل خود یک نوع خشونت است و یک مانع برای به وجود آمدن یک روحیه دموکراتیک راستین."

ساکنین سووتو در انتظار به صندوق انداختن آرای خود در سومین انتخابات دموکراتیک آفریقای جنوبی که در سال 2004 برگزار شد. (عکس از آسوشیتدپرس)

حقـوق بشـــر

تمام انسان ها با حقوق مسلمی به دنیا می آیند. این حقوق به مردم اجازه می دهد که زندگی شرافتمندانه ای را پیشه کنند بنابراین هیچ حکومتی نمی تواند این حقوق را اعطا کند، ولی تمام حکومت ها موظف به حفظ آن هستند. آزادی که بر پایه عدل، بردباری، شرافت و احترام بدون در نظر گرفتن قومیت، مذهب، ارتباط سیاسی یا موقعیت اجتماعی شکل می گیرد به مردم اجازه می دهد تا در پی این حقوق اصولی باشند. در حالی که نظام های استبدادی حقوق بشر را نفی می کنند، جوامع آزاد برای رسیدن به آن همواره در تلاش اند.

★ تمام موارد حقوق بشر به یکدیگر وابسته و تفکیك ناپذیر هستند؛ آنان جنبه های بی شمار هستی انسان از جمله مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در بر می گیرند. از میان پذیرفته شده ترین آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

★ همه مردم باید حق داشتن عقیده و بیان آن را به صورت فردی و یا از طریق انجمن های صلح آمیز داشته باشند. جوامع آزاد "زمینه ابراز عقیده" را بوجود می آورند که در آن افراد درباره هر موضوعی که مایل باشند، به تبادل نظر بپردازند.

★ تمام مردم باید حق مشارکت در حکومت را دارا باشند. حکومت ها باید به وضع قوانینی در حمایت از حقوق بشر بپردازند و در عین حال دستگاههای قضایی باید این قوانین را به صورت یکسان برای مردم به اجرا در آورند.

★ آزادی در برابر بازداشت خودسرانه، حبس و شکنجه — چه فرد مورد نظر از مخالفان حزب صاحب قدرت باشد، چه اقلیت قومی و چه جنایتکاری عادی — از حقوق اولیه بشر به شمار می رود. نیروی پلیس کارآمد در عین حال که برای تمام شهروندان احترام قایل است، قوانین کشور را جاری می سازد.

★ در کشورهایی با قومیت های گوناگون، اقلیت های مذهبی و قومی باید بدون نگرانی از تهمت های اکثریت مردم، در استفاده از زبان و حفظ سنت هایشان آزاد باشند. حکومت ها باید در عین احترام به خواست اکثریت، به حقوق اقلیت ها نیز توجه داشته باشند.

★ تمام مردم باید امکان داشتن کار، امرار معاش و حمایت از خانواده هایشان را داشته باشند.

★ لازم است که از کودکان حمایت ویژه به عمل آید. آنان باید حداقل به آموزش ابتدایی، تغذیه درست و بهداشت دسترسی داشته باشند.

★ برای حفظ حقوق بشر لازم است که شهروندان هر جامعه آزاد، هوشیار باشند. مسئولیت شهروندان — به شکل مشارکت فعال، ضامن پاسخگو ماندن حکومت در برابر مردم است. خانواده کشورهای آزاد به فعالیت در زمینه حفظ حقوق بشر متعهد است. آنان از طریق چندین معاهده و قرارداد بین المللی درباره حقوق بشر به این تعهد، رسمیت می بخشند.

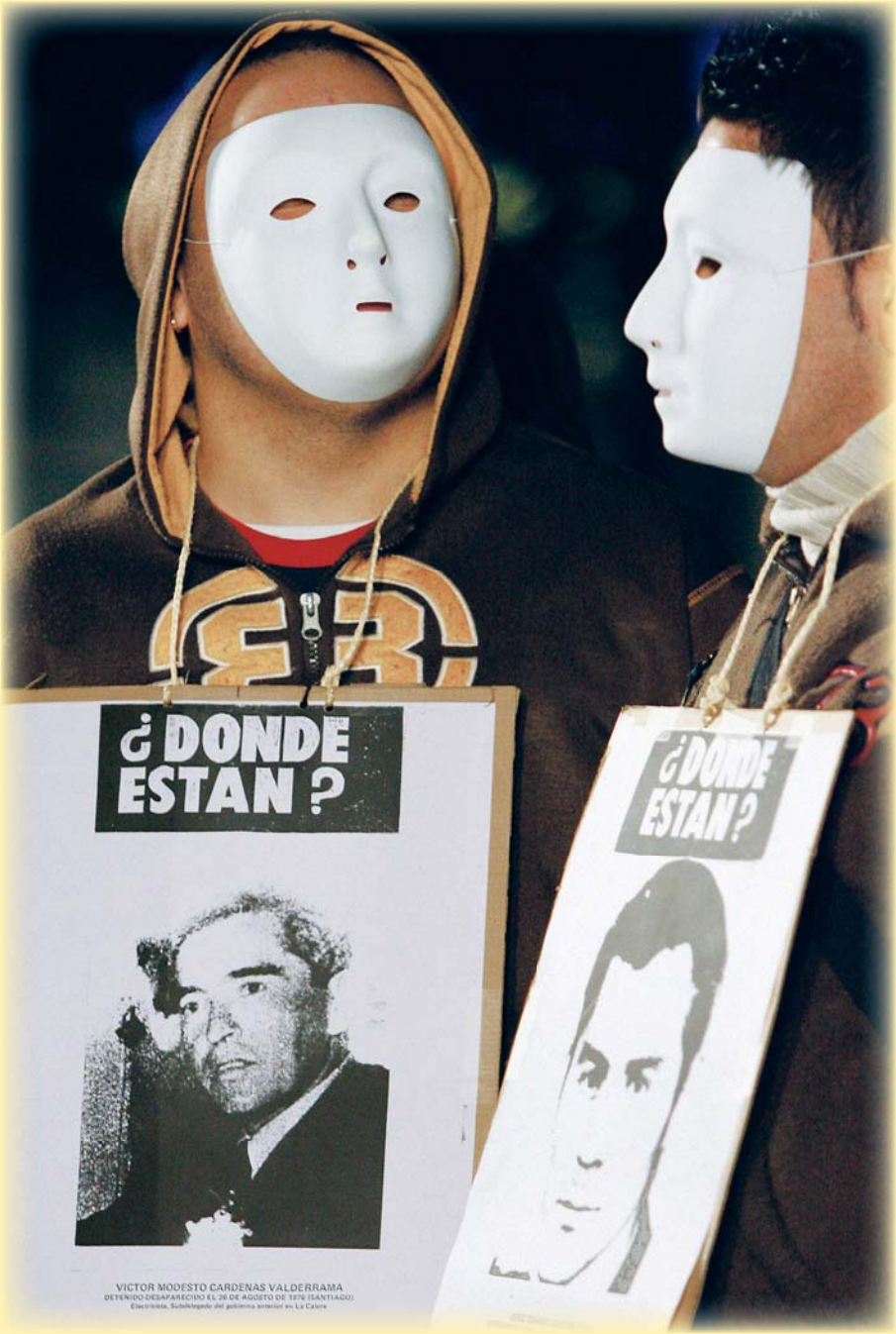

مردم در حال حمل پلاکاردهایی با عکس افرادی که در رژیم آگوستو پینوشه دیکتاتور سابق شیلی، مفقود شده اند، در تظاهراتی به مناسبت مرگ پینوشه در میدان سُل (Sol) در مادرید، 21 دسامبر 2006. (عکس از خبرگزاری فرانسه/گتی)

آزادی بیـــان

آزادی گفتار و بیان به ویژه در زمینه مسایل سیاسی و سایر مسایل مربوط به عموم، شریان اصلی هر حکومت مردم سالار است. حکومت های مردم سالار بر محتویات بیشتر اظهارات مکتوب و سخنرانی ها نظارت ندارند. بدین ترتیب در حکومت های مردم سالار معمولا صداهای متفاوت، نظرات و عقاید متفاوت یا حتی متضاد با حکومت را بیان می کنند.

طبق باور نظریه پردازان مردم سالاری، مذاکره باز و آزاد معمولا به بهترین انتخاب ختم می شود و احتمال دوری از خطا در آن بیشتر است.

★ اتکاء مردم سالاری بر شهروندان تحصیل کرده و آگاهی است که دسترسی آنان به اطلاعات، امکان مشارکتشان را در زندگی معمول جامعه شان و نیز انتقاد از مقامات حکومتی نابخرد و مستبد و یا تدابیری از این قبیل به کامل ترین شکل ممکن فراهم می سازد. شهروندان و نمایندگان منتخب آنها می دانند که مردم سالاری بر پایه دسترسی کامل به نظرات، داده ها و عقاید بدون ممیزی استوار است.

★ برای این که مردم آزاد بتوانند بر خود حکومت کنند لازم است که در گفتار و نوشتار آزاد باشند تا بتوانند پیوسته نظراتشان را آزادانه، برای همگان اعلام نمایند.

★ اصل آزادی بیان باید توسط قانون اساسی مردم سالار حفاظت شود تا از ممیزی اجباری بخشهای قانونگذار یا اجرایی حکومت جلوگیری به عمل آید.

★ حمایت از آزادی بیان اصطلاحا حقوق منفی خوانده می شود و بر خلاف اقدامات مستقیمی که حقوق به اصطلاح مثبت هستند به سادگی از حکومت می خواهد تا از محدود نمودن بیان بپرهیزد. در بیشتر موارد، مقامات حکومت مردم سالار مداخله ای در محتوای بیانات، نوشته ها و گفتار جامعه ندارند.

★ اعتراضات، محکی برای حکومت های مردم سالار به شمار می روند - بنابراین حق گردهمایی آرام حقی ضروری است و نقش لازمی را در تسهیل کاربرد آزادی بیان ایفا می کند. جامعه مدنی برای افرادی که با برخی ازمسایل مخالفت شدید دارند امکان برگزاری مجادلات تند را فراهم می سازد.

★ آزادی بیان یك حق لازم است، اما کافی نیست و نمی تواند در توجیه خشونت، تهمت، هتك حرمت، خرابکاری یا گفتار مستهجن به کار آید. حکومت های تثبیت شده مردم سالار معمولا برای توجیه منع سخنرانی هایی که ممکن است باعث بروز خشونت شوند یا پیشینه دیگران را بدون صحت خدشه دار نمایند یا موجب براندازی حکومتی مشروط گردند یا رفتار مستهجن را گسترش دهند باید در معرض تهدیدی جدی و شدید باشند. بیشتر حکومت های مردم سالار همچنین از بیاناتی که موجب بروز خشونت نژادی یا قومی شود ممانعت به عمل می آورند.

★ مشکل موجود بر سر راه مردم سالاری، برقرای تعادل بین دفاع از آزادی بیان ، گردهمایی و مقابله با بیاناتی است که به طور واقعی از خشونت، ارعاب یا خرابکاری حمایت به عمل می آورند.

مارتین لوترکینگ جونیور فقید، از گردهمایی هزاران نفری "راهپیمایی به سمت واشنگتن" در سال 1963 در حمایت از وضع قانون حقوق مدنی ایالات متحده، قدردانی به عمل می آورد. (عکس از آسوشیتدپرس)

مطبوعات آزاد

در جامعه مردم سالار، مطبوعات نباید زیر نظر حکومت کار کنند. در دولت های مردم سالار، نه وزارت اطلاعاتی برای کنترل مطالب روزنامه ها یا فعالیت خبرنگاران وجود دارد، نه شروطی برای بررسی صلاحیت خبرنگاران و نه اجباری برای این که خبرنگاران به اتحادیه های زیر نظر حکومت بپیوندند. مطبوعات آزاد، مردم را آگاه می سازند، مسئولین را مورد سوال قرار می دهند و شرایطی را برای مباحثات منطقه ای و سراسری فراهم می کنند.

★ حکومت های مردم سالار به مطبوعات آزاد پال و پر می دهند. سیستم قضایی مستقل، جامعه مدنی تحت حاکمیت قانون و بیان آزاد همگی از مطبوعات آزاد حمایت می کنند. مطبوعات آزاد باید از حمایت قانون برخوردار باشند.

★ در حکومت های مردم سالار، دولت مسئول اعمالش است. به همین دلیل شهروندان انتظار دارند از تصمیماتی که دولت به نمایندگی از آن ها می گیرد با خبر شوند. مطبوعات با نظارت بر دولت، "حق آگاهی" مردم را با فراهم کردن شرایطی برای زیر سوال بردن دولت و سیاست های آن تامین می کنند. حکومت های مردم سالار برای روزنامه نگاران امکان دسترسی به نشست های عمومی و اسناد ملی را فراهم می کنند. آن ها محدودیت از پیش تعیین شده ای برای گفته ها یا نوشته های روزنامه نگاران قایل نمی شوند.

★ لازم است که مطبوعات در مورد خود نیز عمل کردی مسئولانه داشته باشند. مطبوعات از طریق انجمن های حرفه ای، شوراهای مستقل مطبوعات و "نمایندگان ویژه" یا منتقدان درون سازمانی که شکایات مردمی را بررسی می کنند، مسئول رسیدگی به شکایات مربوط به زیاده روی هایشان هستند و به این ترتیب مسئولیت پاسخگویی آن ها از درون حفظ می شود.

★ مردم سالاری نیازمند انتخاب و تصمیم گیری مردم است. برای جلب اعتماد مردم نسبت به مطبوعات، روزنامه نگاران باید گزارش هایی حقیقی بر مبنای منابع معتبر و اطلاعات موثق تهیه کنند. سرقت ادبی یا گزارش دروغین، مخالف با سازندگی مطبوعات آزاد است.

★ مطبوعات برای جداسازی جمع آوری اطلاعات و نشر آن ها از شیوه های نگارش سفارشی باید هیئت تحریریه ای به دور از نفوذ حکومت داشته باشند.

★ روزنامه نگاران نباید تحت تاثیر عقاید مردم قرار گیرند و لازم است تا می توانند به دنبال حقیقت باشند. مردم سالاری به مطبوعات اجازه می دهد تا بدون ترس از دولت یا به نفع آن به جمع آوری خبر و اطلاع رسانی بپردازند.

★ در حکومت های مردم سالار کشمکشی پایان ناپذیر بین دو حق مهم وجود دارد. یکی از این حقوق وظیفه دولت در حفظ امنیت ملی و دیگری حق آگاهی مردم با تکیه بر قابلیت روزنامه نگاران در دسترسی به اطلاعات است. لازم است که حکومت ها گه گاه دسترسی به برخی از اطلاعاتی را که برای انتشار عمومی بسیار حساس تلقی می شوند محدود سازند. اما روزنامه نگاران در حکومت های مردم سالار کاملا حق دارند که این مسایل را پی گیری کنند.

عکس روی جلد — یک چادر سنتی کوچ نشینان که با نام گر (ger) یا خیمه قرقیزی (yurt) شناخته می شود، به عنوان پایگاه رأی گیری به منظور جمع آوری آرای دام داران مغولستان برای انتخابات مجلس مورد استفاده قرار می گیرد. (عکس از آسوشیتدپرس)

خبرنگاران پاکستانی در حال سردادن شعار بر علیه دولت در تظاهراتی در کراچی در حالیکه پلاکاردهایی را حمل می کنند، 9 اوت 2005. (امیر قریشی/ خبرگزاری فرانسه)

وزارت امور خارجه آمریکا، دفتر برنامه های اطلاعات بین المللی

آزادی مذهب

تمام شهروندان باید در زمینه باورهای مذهبی، آزادی دنباله روی از میل درونیشان را داشته باشند. آزادی مذهب شامل حق عبادت فردی یا گروهی، در جمع و یا در خلوت و مشارکت در مراسم مذهبی، اجرای مناسك و آموزش دینی بدون ترس از آزار حکومت یا گروه های دیگر جامعه است.

★ تمام مردم حق عبادت یا شرکت در جلسات عقیدتی مذهبی و تاسیس و حفظ اماکنی به این منظور را دارند.

★ آزادی مذهب مانند سایر حقوق بنیادین بشر توسط کشور ایجاد یا بخشیده نمی شود، بلکه همه کشورها باید از آن محافظت نمایند. حکومت های مردم سالار، آزادی مذهب و زبان را نیز در قوانین اساسیشان می گنجانند.

★ با وجودی که احتمال دارد بسیاری از حکومت های مردم سالار جدایی رسمی را بین کلیسا و حکومت انتخاب نمایند، ارزش های حکومت و دین با یکدیگر تضاد اصولی ندارند.

★ حکومت های مردم سالار معمولا برای تنظیم امور مذهبی، سازمانهای دولتی یا مراکز رسمی دیگری تاسیس نمی کنند، با این وجود ممکن است از سازمانهای عبادی و گروههای مذهبی بخواهند تا جهت انجام امور اداری یا مالیاتی، خود را به ثبت برسانند.

★ حکومت هایی که از آزادی مذهب حمایت می کنند بیشتر به رعایت حقوق لازم دیگر برای آزادی مذهب از جمله آزادی بیان و آزادی تجمع توجه نشان می دهند.

★ حکومت های مردم سالار واقعی درك می کنند که باید به تفاوت های مذهبی فردی احترام گذاشت و یکی از نقش های کلیدی حکومت حتی در مواردی که کشور باور مذهبی مشخصی را ممنوع می داند حمایت از انتخاب مذهب است. حکومت های مردم سالار همچنین:

- محتویات منتشرات، دروس یا سخنرانی های مذهبی را تعیین نمی کنند.
- به حق والدین برای اداره آموزش مذهبی فرزندانشان احترام می گذارند.
- تحریك به خشونت مذهبی بر ضد دیگران را ممنوع می نمایند.
- از اعضای گروههای اقلیت قومی، مذهبی یا زبانی محافظت می کنند.
- به مردم اجازه می دهند تا تعطیلات مرتبط با باورهایشان را داشته باشند و روزهای مقدسشان را جشن بگیرند.
- از آنجا که افراد دارای اعتقادات گوناگون خواهان زمینه مشترك در مسایل متنوع و همکاری برای حل مشکلات موجود برای کل جمعیت هستند، به جریان های اعتقادی اجازه شکوفایی می دهند.
- برای دولت و مقامات مذهبی، سازمان های غیر دولتی و خبرنگاران، آزادی تهیه خبر درباره آزار مذهبی را فراهم می سازند.
- به حق مشارکت آزاد و کمك به جامعه مدنی از طریق راه اندازی مدارس اعتقادی، اداره بیمارستان ها و مراقبت از سالمندان و اجرای برنامه ها و فعالیت های دیگری که به نفع جامعه است احترام می گذارند.

تاگوریس، خانواده ای مسلمان و مذهبی آمریکایی در حال خواندن نماز در اتاق آفتاب گیر خانه شان.
(ولفگانگ هایت/ استو/ مهندس معمار اسکیدمور، اوینگز و مریل)

حقوق زنان و دختران

تبعیض در مورد زنان بدان معنا است که قوانین یا رسوم مشخصی، بر مبنای جنسیت و تمایز فردی، در مورد آنها استثنا یا محدودیتی قایل می شوند.

★ حکومت های مردم سالار باید در حفظ حقوق زنان کوشا باشند، زنان را به مشارکت در تمام سطوح جامعه و حکومت تشویق نمایند و اماکنی را برای آنان به وجود آورند تا بتوانند آزادانه تجمع کنند و دیدگاه هایشان را آشکارا بیان نمایند.

★ حقوق قانونی زنان شامل برخورد مساوی قانون با آنها و دسترسی به منابع قانونی است.

- حقوق زنان باید آشکارا مشخص شود — ابهام در موقعیت قانونی زنان همچنان یکی از علل اصلی فقر در سطح جهان است.
- زنان باید حق مالکیت و وراثت داشته باشند.
- زنان باید از امکان مشارکت در تنظیم و اجرای قانون اساسی و قوانین دیگر برخوردار باشند.

★ حقوق سیاسی زنان شامل حق شرکت در انتخابات، اشتغال در پستهای دولتی، مشارکت در حاکمیت و سازماندهی سیاسی است.

- نظام های مردم سالار باید از طرح های جامعه مدنی — اعم از دولتی و غیر دولتی — که زنان را در زمینه چگونگی شرکت در انتخابات و فنون رقابت های سیاسی و روند قانون گذاری آموزش می دهند حمایت به عمل آورند.
- فعالیت زنان در تمام سطوح جامعه مدنی و حکومت باعث استحکام مردم سالاری می گردد.

★ زنان و دختران باید به آموزش ابتدایی دسترسی داشته باشند. آنان نباید از شرکت یا تدریس در مدارس متوسطه یا دانشگاهها منع شوند.

★ حقوق اقتصادی برای زنان امکان نظارت بر دارایی های اقتصادیشان را فراهم می سازد و به آنان کمك می کند تا از روابط پر مخاطره جنسی و احتمال سوء استفاده دوری کنند. این حقوق شامل موارد زیر هستند:

- شرایط و معیارهای یکسان استخدام در مقایسه با مردان.
- مصونیت از ابطال استخدام به دلیل بارداری یا ازدواج.
- مشارکت در برنامه هایی از قبیل استفاده از وام های اشتغال زایی کوچك و آموزش مشاغل که برای زنان امکان کسب درآمد را فراهم می سازد.
- حق برخورداری از درآمد، رفتار و احترام مساوی در محل کار.

★ نظام های مردم سالار باید برای کسب اطمینان از بهداشت و رفاه زنان و دختران و فراهم ساختن دسترسی مساوی به برنامه هایی مانند برنامه های زیر تلاش نمایند:

- مراقبت های بهداشتی عمومی، پیشگیری از بیماری ها و مراقبت های پیش از زایمان.
- پیشگیری از بیماری ایدز، بهبود مراقبت های بهداشتی ارایه شده به مبتلایان، و کاهش از انتقال این بیماری از طریق مادر به فرزند.
- مبارزه با قاچاقچیانی که زنان و دختران را به دام فحشای اجباری یا بردگی داخل خانواده ها از طریق اغفال، تقلب یا اعمال زور می اندازند.
- مبارزه با آنچه پیشتر گردشگری جنسی نامیده می شد و اغلب زنان و کودکان را مورد سوء استفاده قرار می داد.
- آموزش پیامدهای بهداشتی و اجتماعی ازدواج زود هنگام به خانواده ها.
- حمایت از مراکز قربانیان از جمله مراکز خشونت های خانوادگی و بحران های ناشی از تجاوزات.
- آموزش کاستن از خشونت های خانوادگی به پلیس، وکلا، قضات و هیات های پزشکی.
- پایان بخشیدن به ختنه کردن زنان.

عکس بالا: ایندیرا نات، دانشمند برجسته هندی در زمینه بیماری جذام، به همراه بیماران در چوچین، هند. ایندیرا در سال 2002 جایزه لوریل برای زنان در علوم را به واسطه تحقیقات در هند دریافت کرد. (عکس از کوربیس سیگما)؛
عکس پائین-چپ:انوشه انصاری مدیر یک شرکت معظم آمریکایی، عضو جدید مأموریت دارای خدمه به ایستگاه فضایی بین المللی، در حال لبخند زدن پیش از طی مراحل نهایی آزمایشات قبل از پرواز در مرکز آموزش فضایی روسیه در استار سیتی خارج از مسکو. (عکس از آسوشیتدپرس)؛ عکس پائین-راست: زنان روسی — سربازان سابق جنگ جهانی دوم — در حال رقص در جشن روز پیروزی (ویکتوریا دی) در پارک گورکی در مسکو. در 9 ماه می هر سال، روسیه پیروزی بر نازی های آلمان در جنگ جهانی دوم را جشن می گیرد. (عکس از آسوشیتدپرس)

حکومت اکثریت، حقوق اقلیت

اصول حکومت اکثریت و دفاع از حقوق افراد و اقلیت ها، در ظاهر دو امر متناقض به نظر می رسند. اما این اصول، در واقع ستون های دوگانه ای هستند که ارکان آنچه که یک دولت دموکراتیک نامیده می شود را استوار نگه داشته اند.

حکومت اکثریت وسیله ای است برای سازماندهی دولت و تصمیم گیری در خصوص مسائل عمومی؛ نه شیوه ای دیگر برای ظلم و ستم. همانگونه که هیچ گروه خود منتصب حق آزار دیگران را ندارد، هیچ اکثریتی، حتی در یک دموکراسی، نیز نباید حقوق و آزادی های اساسی یک فرد و یا گروه اقلیت را سلب نماید.

- ★ اقلیت ها — چه به دلیل قومیت، باورهای دینی، موقعیت جغرافیایی، سطح درآمد، و یا فقط به عنوان بازنده های انتخابات و یا یک مناظره - از حقوق اساسی تضمین شده ای برخوردارند که هیچ دولت و یا گروه اکثریت منتخب و یا افراد دیگر، حق سلب آن را ندارد.
- ★ اقلیت ها باید اطمینان داشته باشند که دولت ها از حقوق و هویت آنها دفاع می کنند. وقتی که این اطمینان حاصل شد، این گروهها می توانند در نهادهای دموکراتیک کشور خود مشارکت کرده، بر آنها تأثیرگذار باشند.
- ★ از جمله حقوق اساسی که هر دولت دموکراتیک باید از آن دفاع کند، می توان از آزادی بیان، آزادی دین و عقیده، مراحل تشریفات قانونی و حق برخورداری برابر از حمایت قانون، و آزادی بیان عقیده، مخالفت، و مشارکت کامل، در زندگی اجتماعی جامعه خود نام برد.
- ★ جوامع دارای دموکراسی می دانند که دفاع از حقوق اقلیت ها به منظور حفظ هویت فرهنگی، رسوم اجتماعی، احساسات درونی فردی، و فعالیت های دینی، جزو وظائف اولیه آنها است.
- ★ پذیرش اقلیت های قومی و فرهنگی که در نظر اکثریت جامعه بیگانه، و یا حداقل عجیب می نمایند، از بزرگ ترین چالش هایی است که دولت های دموکراتیک می توانند با آن روبرو شوند. اما جوامع دارای دموکراسی به این نکته توجه دارند که گوناگونی می تواند سرمایه عظیمی محسوب شود. آنها این گوناگونی های هویتی، فرهنگی، و ارزشی را به دیده چالشی می نگرند که آنها را قوی تر و غنی تر می سازد ، نه به عنوان تهدید.
- ★ هیچ راه حل خاصی نمی تواند برای حل مسائل به وجود آمده در مورد تفاوت های بینشی و ارزشی گروههای اقلیت وجود داشته باشد - تنها این آگاهی مسلم وجود دارد که فقط از طریق فرایند دموکراتیک تحمل، گفتگو، و میل به مدارا است که جوامع آزاد به توافق هایی که در بر گیرنده ارکان دوگانه حکومت اکثریت و حقوق اقلیت اند دست می یابند.

اصول و مبانی دموکراسی

عناصر دموکراسی

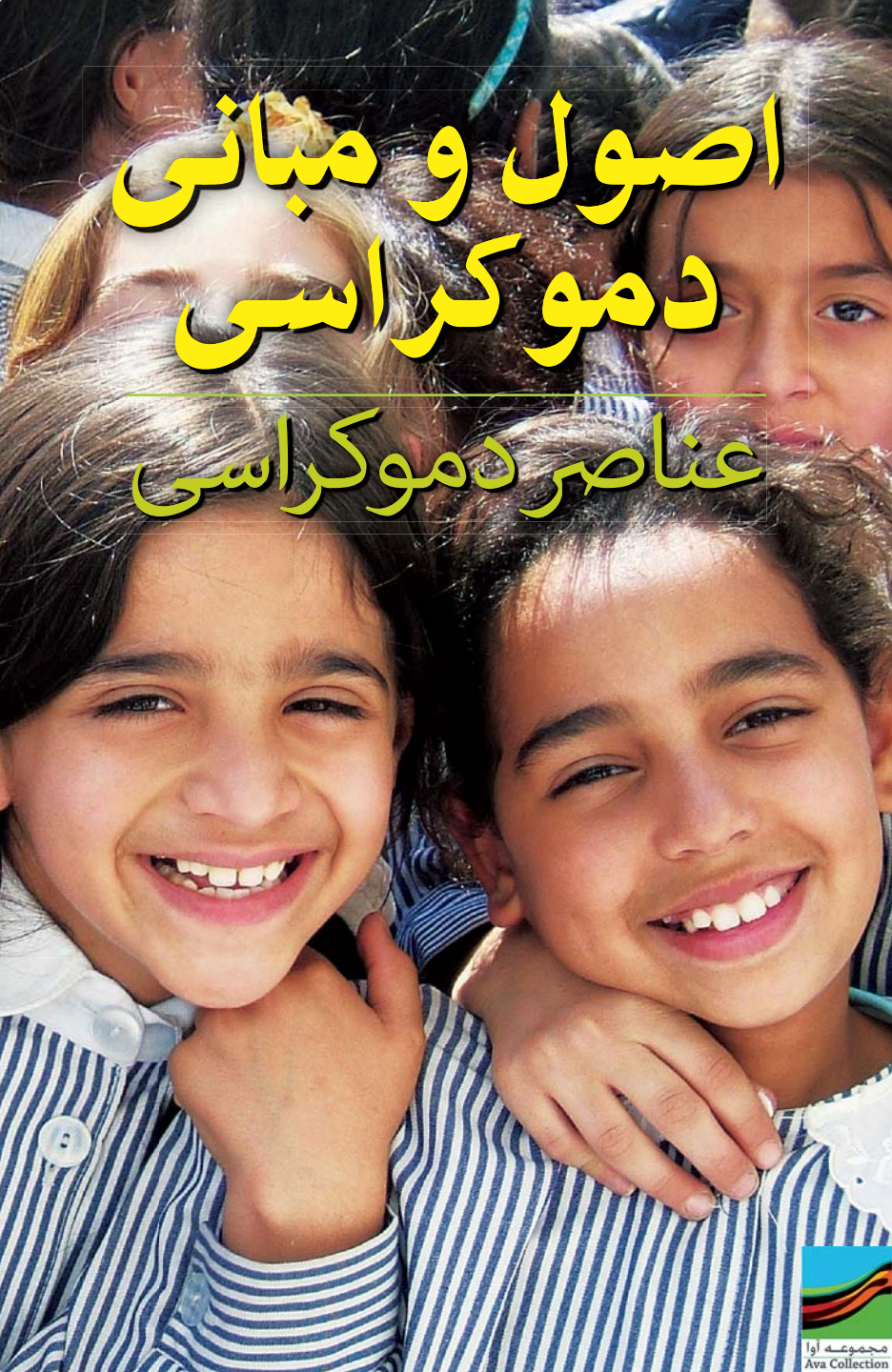

مجموعه آوا
Ava Collection

حاکمیت قانون

در دوران طولانی از تاریخ بشر، حاکمان و قانون یکی تلقی می شدند — قانون همان چیزی بود که حاکم می خواست. نخستین گام در جهت فاصله گرفتن از این استبداد، حاکمیت قانون بود که مفهوم پایین تر بودن حاکم از قانون و الزام او برای حاکمیت از راه های قانونی را شامل می شد. حکومت های مردم سالار با ایجاد حاکمیت قانون، در این راه فراتر رفتند. هرچند هیچ جامعه ای بدون مشکل نیست، اما حاکمیت قانون از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حمایت می کند و به ما یاد آور می شود که استبداد و بی قانونی تنها انتخاب های ما نیستند.

★ حاکمیت قانون بدان معنا است که هیچ فردی، چه رییس جمهور و چه یك فرد عادی از قانون بالاتر نیست. حکومت های مردم سالار، قدرت را از طریق قانون به کار می بندند و خود ملزم به اطاعت از آن هستند.

★ قوانین باید در جهت خواسته های مردم و نه هوس شاهان، زورگویان، مقامات نظامی، رهبران مذهبی یا احزاب خود گماشته باشد.

★ مردم در حکومت های مردم سالار مشتاق پیروی از قانون هستند، چرا که از قواعد و دستورات خودشان اطاعت می کنند. هنگامی که قانون توسط مردمی گذاشته می شود که خود آنها بایداز آن قوانین اطاعت کنند، عدالت به بهترین نحو ممکن برقرار می شود.

★ برای حاکمیت قانون، یك دستگاه قدرتمند و مستقل قضایی لازم است که دارای اختیار، اقتدار، دارایی و اعتبار لازم جهت زیر سوال بردن مقامات حکومتی و حتی سران عالی رتبه در برابر قوانین و دستورات مملکتی باشد.

★ از این رو قضات باید بسیار تعلیم دیده، متبحر، مستقل و بی طرف باشند. آنان برای انجام وظیفه ضروری شان در نظام قانونی و قضایی باید به اصول مردم سالاری پایبند باشند.

★ قوانین حکومت مردم سالار ممکن است سرچشمه های گوناگونی از قبیل: قانون های اساسی مکتوب، مصوبات و قواعد، تعالیم مذهبی و اخلاقی و آداب و رسوم فرهنگی داشته باشند. قوانین، بدون در نظر گرفتن سرمنشا آنها باید برای حفاظت از حقوق و آزادی های مردم پیش بینی های لازم را به عمل آورند:

- از آنجاکه شرط قانون، حمایت یکسان از همگان است، نمی تواند تنها برای یك فرد یا گروه قابل اجرا باشد.
- شهروندان باید از بازداشت خودسرانه و تفتیش بی دلیل منازل یا مصادره اموالشان در امان باشند.
- شهروندان متهم به جنایت، سزاوار محاکمه سریع و علنی هستند و حق دارند که با شاکیانشان مخالفت یا از ایشان سوال نمایند. اگر این افراد محکوم شوند، مجازات بی رحمانه و غیر معمول برای آنان در نظر گرفته نمی شود.
- شهروندان را نمی توان به اجبار وادار به شهادت بر ضد خودشان نمود. این اصل، از شهروندان در برابر اعمال فشار، سوء استفاده یا شکنجه حمایت می کند و اقدام پلیس با رفتارهای این گونه را به شدت کاهش می دهد.

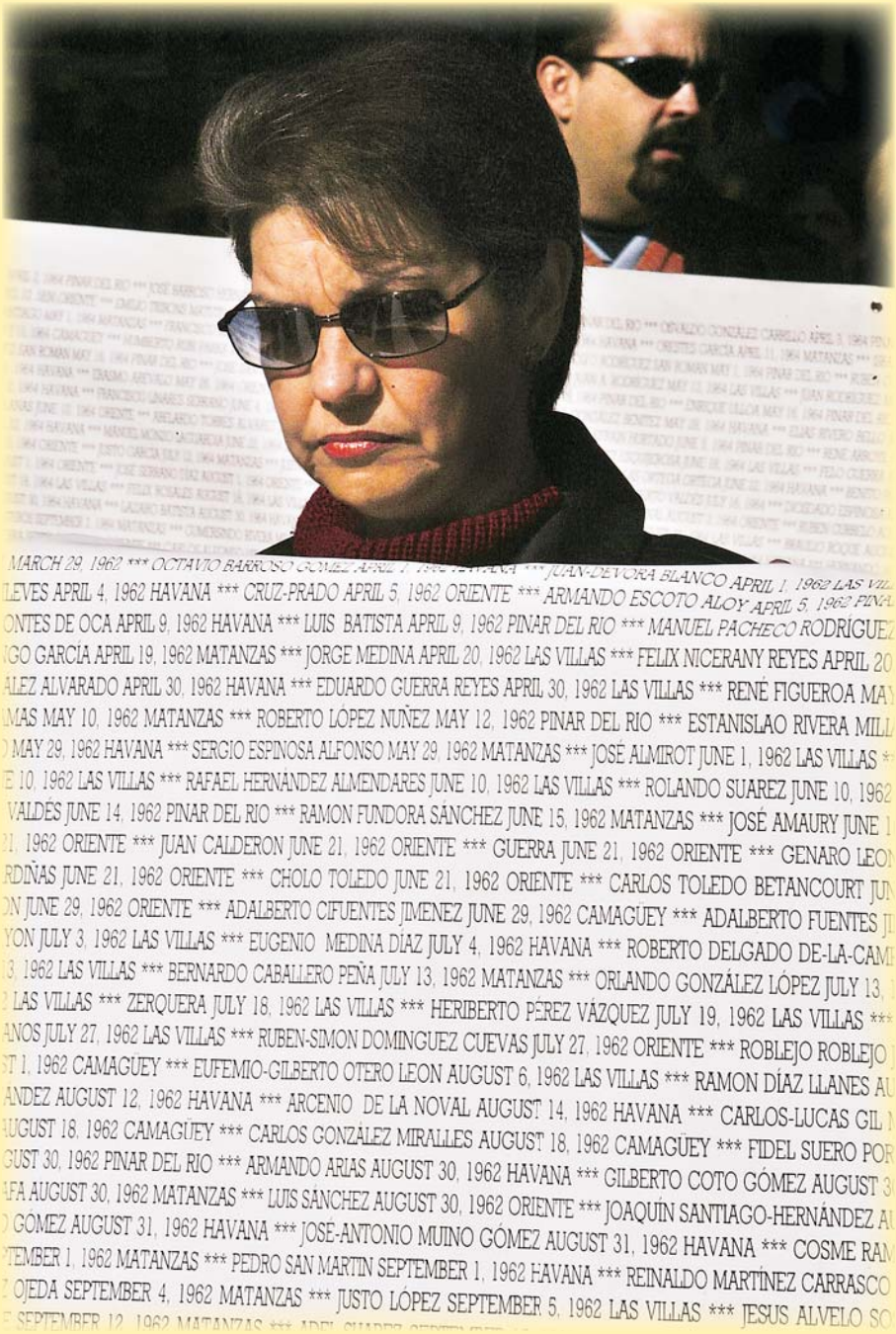

زنی در حال حمل یک پوستر، حاوی اسامی زندانیان سیاسی در حبس در کوبا طی تظاهرات پیش از نشست ایبیرومریکانا که در سال 2005 در اسپانیا برگزار شد. (تصاویر دنیس دویل/ گتی)

مشروطیت

قانون اساسی مکتوب شامل مهم ترین قوانینی است که اهالی یك کشور خود را ملزم به رعایت آنها در زندگی می دانند و نشان دهنده ساختار اساسی حکومت آنها است. بنابراین مشروطیت مردم سالار — بر پایه ویژگی های آزادی فردی، حقوق اجتماعی و قدرت محدود حکومت — چهارچوب حکومت بر نظام مردم سالار را ایجاد می نماید.

★ مشروطیت، بر لزوم انطباق حکومت مردم سالار و پاسخگو با حدود قانونی قدرت حاکمه تاکید می کند.

★ قانون اساسی، اهداف و خواسته های بنیادین جامعه را از جمله رفاه همگانی مردم تعریف می نماید.

★ همه قوانین باید مطابق با قانون اساسی نوشته شوند. در حکومت مردم سالار، دستگاه قضایی مستقل به شهروندان اجازه می دهد تا با قوانینی که به عقیده آنان بر حق یا مطابق با قانون اساسی نیستند مخالفت نمایند و برای اقدامات غیر قانونی حکومت یا مقامات آن از دادگاه چاره جویی نمایند.

★ قانون اساسی، چهارچوب قدرت حکومت - حوزه اختیارات آن، شیوه به کار بستن این اختیارات و روند تصویب قوانین بعدی - را تعیین می کند.

★ قانون اساسی تابعیت را تعریف می کند و مبنای تعیین واجدان شرایط رای دادن را مشخص می سازد.

★ قانون اساسی مبنای بنیادهای سیاسی، اجرایی و قضایی کشور از جمله ساختار دستگاه قانونگذار و دادگاه ها، شرایط تشکیل دولت منتخب و شروط دولت برای مقامات منتخب را مشخص می کند.

★ قانون اساسی وظایف وزارتخانه های دولتی را بیان می کند و به صاحبان قدرت اجازه می دهد تا به جمع آوری مالیات و تشکیل یك نیروی دفاع ملی بپردازند.

★ قانون اساسی در یك نظام فدرال قدرت را بین سطوح مختلف حکومت تقسیم می نماید.

★ از آنجاییکه قانون اساسی در برهه خاصی از زمان نوشته می شود اصلاح پذیر بودن آن ضروری است تا بتوان آن را با نیازهای متفاوت افراد در آینده مطابقت داد. به دلیل اهمیت انعطاف پذیری برای پرداختن به مشکلات غیر قابل پیش گویی و پیش بینی آینده، قوانین اساسی معمولا به گونه ای نوشته می شوند که اصول کلی حکومت را مشخص سازند.

★ قوانین اساسی معمولا شامل دو دسته از حقوق منفی و مثبت می شوند.

- حقوق منفی به حکومت می گوید که چه کارهایی نمی تواند انجام دهد. این حقوق حکومت را محدود می سازد و آن را از برخوردهای مشخصی با مردم بر حذر می دارد. به عنوان نمونه حکومت باید از محدود کردن آزادی بیان و توانایی شهروندان برای تجمع صلح آمیز و نیز حبس غیر قانونی خودداری نماید.
- حقوق مثبت به حکومت می گوید که چه کارهایی را باید انجام دهد و به شهروندان می گوید که چه کارهایی مجاز است. این "امور مجاز" ممکن است شامل حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در قالب ضمانت های حکومت در برابر سطوح مختلف جامعه باشند. این امور ممکن است ضمانت هایی در ارتباط با تحصیلات ابتدایی و متوسطه برای تمام پسران و دختران، "مزایای" پس از بازنشستگی یا وجود شغل و مراقبت های بهداشتی برای همه شهروندان باشد.

عکس بالا: ۴ مه ۲۰۰۵، متن قانون اساسی اتحادیه اروپا در مرکز پستی در والانس، نزدیک لیون در مرکز فرانسه که مخصوص این رویداد تاسیس شده است، به شهروندان منطقه قبل از رفراندوم ۱۵ مارس ۲۰۰۵ ارسال می شود. (عکس از پاتریک گاردن/ آسوشیتد پرس) عکس زیرین: سخنرانی کنزابورو اوی، برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۹۴ از ژاپن، در تجمع تقریبا نه هزار نفره در سالن آریاکا توکیو در ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۵ ، برای حمایت از قانون اساسی صلح جوی ژاپن، به ویژه در مخالفت با جنبش های اصلاحاتی اخیر در مورد ماده نهم و نفی جنگ. (عکس از کاتسومی کاساهارا/ آسوشیتد پرس)

قوهٔ قضائیه مستقل

قضات مستقل و مجرب، پایه و اساس سیستمی از دادگاههای قانونی، عادلانه، بی‌طرف و تضمین‌شده از سوی قانون اساسی هستند که به عنوان قوهٔ قضائیه شناخته می‌شود. این استقلال به این معنا نیست که قضات می‌توانند تصمیماتی بر اساس تمایلات شخصی بگیرند بلکه آنها آزاد هستند تا تصمیماتی قانونی را اتخاذ کنند — حتی اگر آن تصمیمات با دولت یا گروههای قدرتِ درگیر در ماجرا، در تناقض باشند.

★ درجوامع دارای دموکراسی، استقلال در مقابل فشار سیاسی اعمال شده توسط مقامات منتخب و قانون‌گذاران، ضامن بی‌طرفی قضات است. احکام قضایی باید بی‌طرفانه باشند و براساس حقایق موجود، شایستگی افراد و استدلال‌های قانونی و قوانین مربوط صادر شوند، بدون هیچگونه محدودیت یا اعمال نفوذ ناشایست از سوی گروههای ذینفع. این اصول تضمین‌کنندهٔ تساوی افراد در برابر حمایت قانون است.

★ قدرت قضات در بررسی قوانین عمومی و اعلام نقض قانون اساسی به وسیلهٔ آنها، به عنوان مانعی بنیادی بر سر راه سوءاستفادهٔ احتمالی از قدرت توسط حکومت عمل می‌کند - حتی اگر دولت با اکثریت آرا انتخاب شده باشد. با این حال، این قدرت مستلزم آن است که دادگاهها، مستقل انگاشته شوند و بتوانند تصمیمات خود را مبتنی بر قانون و نه بر اساس ملاحظات سیاسی اتخاذ نمایند.

★ قضات چه منتخب باشند و چه منصوب باید امنیت شغلی و دورهٔ خدمت تضمین شده به وسیلهٔ قانون داشته باشند تا بتوانند بدون نگرانی از فشار یا حمله از سوی آنهایی که مناصب قدرت را در دست دارند، تصمیم‌گیری کنند. یک جامعهٔ مدنی با تأمین آموزش و حقوق کافی نشان می‌دهد که به اهمیت قضاتِ مجرب واقف است.

★ اعتماد به بی‌طرفی سیستم دادگاهها — در این که به عنوان بخشی "غیرسیاسی" از دولت انگاشته می‌شوند — منشا اصلی قدرت و مشروعیت آنها است.

★ با این حال دادگاههای یک کشور درست به همان اندازهٔ سایر نهادهای آن مورد تفسیر، موشکافی و انتقاد مردم قرار می‌گیرند و از این جهت مصونیتی ندارند. آزادی بیان متعلق به همه است: قضات و منتقدانشان.

★ اصول اخلاقی قضایی به منظور اطمینان یافتن از بی‌طرفی قضات، از آنها می‌خواهد که از تصمیم‌گیری در مواردی که در آن دچار تضاد منافع هستند خودداری کنند.

★ در جامعه دموکراسی نمی‌توان به دلیل شکایات کوچک و یا در پاسخ به انتقادات سیاسی، قضات را برکنار کرد. فقط به دلیل جرم‌های جدی و یا تخلف، از طریق مراحل طولانی و پیچیدهٔ احضار به دادگاه و محاکمه — چه در برابر قانون‌گذاران و چه در برابر هیئت منصفهٔ دادگاهی جداگانه، می‌توان قضات را برکنار کرد.

★ قوهٔ قضائیهٔ مستقل به مردم اطمینان می‌دهد که تصمیمات دادگاهها بر اساس قوانین کشور و قانون اساسی خواهد بود و بستگی به تغییر قدرت سیاسی یا فشار از سوی اکثریتی موقت ندارد. با اعطای چنین استقلالی، سیستم قضایی درجامعه دموکراسی به عنوان حافظ حقوق مردم و آزادی آنها عمل می‌کند.

نشانه قدرت و برتری قانون و خود مختاری قوه قضاییه در دو مورد دادرسی، در دو مکان مختلف دنیا به دادگاه ارجاع می شود. یک جاسوس ارشد سابق که به فساد محکوم شده است، در دادگاه لیما، پرو ایستاده و در انتظار حکم است. وی به نه سال زندان محکوم شد (بالا). شروع محاکمه معروف قتل یک بانکدار ایتالیایی توسط یکی از اعضای مافیای سیسیلی در اکتبر 2006 در رم (پایین). (عکس از مارتین مجیا/ آسوشیتدپرس، مکس روسی/ رویتر)

دولت پاسخگو

دولت پاسخگو به این معناست که کارکنان عالیرتبه دولت - انتخابی و یا انتصابی — موظفند درباره تصمیمات و اقداماتشان به شهروندان توضیح دهند. پاسخگویی دولت با استفاده از مکانیسم های مختلفی حاصل می شود — سیاسی، قانونی و اجرایی — که به منظور جلوگیری از فساد وضع شده اند و تضمین می کنند که کارکنان دولت همواره پاسخگو و در دسترس مردم باشند. در صورت عدم وجود چنین مکانیسم هایی امکان رشد فساد وجود دارد.

★ مکانیسم اصلی پاسخگویی سیاسی، انتخابات آزاد و عادلانه است. انتخابات و دوره های خدمت معین، مقامات انتخاب شده را مجبور می کند که در مورد عملکرد خود پاسخگو باشند و برای رقبای انتخاباتی فرصتی فراهم آورند تا به شهروندان، سیاست های جایگزین را ارائه کنند. اگر رای دهندگان از عملکرد یکی از مقامات راضی نباشند، ممکن است زمانیکه دوره خدمتش به پایان می رسد، به او رای ندهند.

★ این امر که مقامات دولتی به چه میزان از لحاظ سیاسی پاسخگو هستند، بستگی دارد به این که مقام شان انتصابی است یا انتخابی، دوره خدمت آنها چه مدت است و چند دوره می توانند انتخاب شوند.

★ مکانیسم های پاسخگویی قانونی شامل این موارد است: قانون اساسی، مصوبات قوه مقننه، احکام، قوانین، دستورالعمل ها و دیگر ابزارهای قانونی که تعیین می کنند مقامات دولتی چه کارهایی را می توانند انجام دهند و چه کارهایی را نمی توانند و دیگر این که شهروندان چگونه می توانند بر علیه مقاماتی که اقداماتشان رضایت بخش نیست، اقدام کنند.

★ وجود قوه قضایی مستقل شرط اصلی موفقیت در امر پاسخگویی قانونی است، که به عنوان محل دادرسی ای که شهروندان دعاوی خود علیه دولت را به آنجا می برند در خدمت مردم است.

★ مکانیسم های پاسخ گویی قانونی شامل موارد زیر است:

- مقررات اخلاقی و اصول رفتاری برای مقامات دولتی، که نمایی کلی از شیوه های غیر قابل قبول ارائه می دهد؛
- تضاد منافع و قوانین مربوط به علنی کردن دارایی ها، مقامات دولتی را مستلزم می دارد که منبع درآمد و دارایی های خود را علنی کنند تا شهروندان بتوانند قضاوت کنند که آیا منافع مالی مقامات احتمالا به طور ناشایست اقدامات آنها را تحت تاثیر قرار می دهد یا خیر؛
- "قوانین قابل دسترس همگان" ، مدارک و صورت جلسات دولتی را در دسترس مطبوعات و عموم قرار می دهد؛
- لزوم مشارکت شهروندان، ایجاب می کند که در برخی تصمیمات دولت باید نظرات مردم لحاظ شود؛ و
- بررسی قضایی، به دادگاه ها این قدرت را می دهد که تصمیمات و اقدامات مقامات و سازمان های دولتی را بررسی کند.

★ مکانیسم های پاسخگویی اجرایی شامل اداراتی در سازمان ها یا وزارتخانه ها و شگردهایی در پروسه های اجرایی است و طوری تنظیم شده اند تا تضمین نمایند که تصمیمات و اقدامات مقامات دولتی منافع شهروندان را مد نظر دارد.

★ مکانیسم های پاسخگویی اجرایی شامل موارد زیر است:

- سازمان های فریاد رس مردم، مسئول شنیدن و پرداختن به شکایات شهروندان می باشند؛
- حسابرس های مستقل که استفاده از سرمایه های ملی را به دقت مورد بررسی قرار می دهند تا نشانه هایی از سوء استفاده بیابند؛
- دادگاه های اجرایی ای که به شکایات شهروندان در مورد تصمیمات ادارات رسیدگی می کنند؛
- قوانین اخلاقی ای که از به اصطلاح " افشاگران" — کسانی در بین افراد دولتی که در مورد فساد یا سوء استفاده از قدرت دولتی به افشا گری می پردازند — در برابر اقدامات تلافی جویانه حمایت می کند.

عکس روی جلد: آموزش و پرورش، عاملی کلیدی در هر جامعه دموکراسی می باشد. در اینجا، جمعی از دختران مدرسه ای در یکی از اردوگاههای پناهندگان فلسطینی در نوار غزه. (عکس با موهبت *UNRWA*)

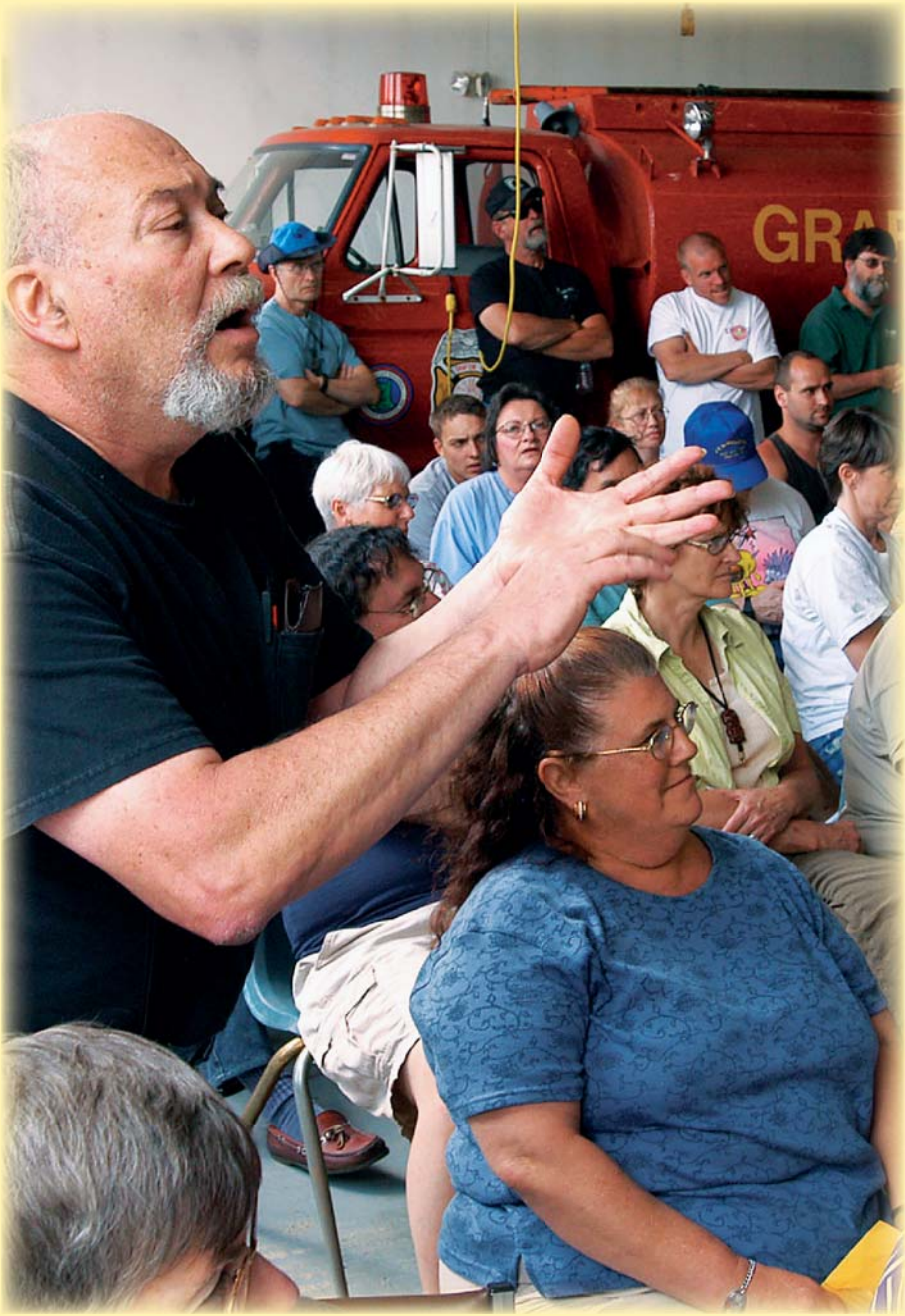

۱۹ ژوئن ۲۰۰۴، نیل کنی از گرافان نیوهمشایر(چپ)، در طی یک نشست ویژه به نمایندگان طرح های "شهر آزاد" و "ایالت آزاد" یاد آوار می شود که آنان به سئوالهای شهروندان درباره اهداف این طرح ها پاسخ صریح نمی دهند. (عکس از لی مارینز/ آسوشیتد پرس)

وزارت امور خارجه آمریکا، دفتر برنامه های اطلاعات بین المللی

وظایف شهروندان

حکومت مردم سالار، برخلاف نظام دیکتاتوری، برای خدمت به مردم شکل گرفته است، اما مردم نیز باید به قوانین و دستورات مردم سالاری حاکم، پایبند باشند. حکومت های مردم سالار برای شهروندان آزادی های بسیاری از جمله آزادی مخالفت با حکومت و انتقاد از آن را قایلند. شهروندان حکومت مردم سالار باید از حس مشارکت، فرهنگ و حتی بردباری برخوردار باشند.

★ شهروندان، آگاه اند که در حکومت مردم سالار، تنها حقوق به آنان تعلق نمی گیرد، بلکه مسئولیت هایی نیز بر عهده شان است. آنان می دانند که مردم سالاری به صرف وقت و کار سنگین احتیاج دارد - حکومتی از دل مردم، نیازمند وجود تیزبینی و پشتیبانی دایمی از جانب مردم است.

★ در برخی از حکومت های مردم سالار، مشارکت مدنی مردم به شکل خدمت آنان در هیئت های منصفه یا خدمت نظام و یا خدمات ملی غیر نظامی اجباری است. الزامات دیگر، مربوط به همه حکومت های مردم سالار می شوند و تنها بر عهده شهروندان می باشد — مهم ترین آنان احترام به قانون است. پرداخت صحیح مالیات ها، پذیرفتن مرجعیت دولت منتخب و احترام به حقوق افرادی که دیدگاه های متفاوت دارند، نمونه های دیگری از وظایف شهروندان به شمار می روند.

★ شهروندان حکومت مردم سالار می دانند که برای سود بردن از حمایت حکومت از حقوقشان، باید بار مسئولیت جامعه را بر دوش گیرند.

★ در جوامع آزاد گفته می شود: حکومت حاکم بر مردم متناسب با لیاقت آن ها است. برای موفقیت مردم سالاری، لازم است که شهروندان فعال باشند نه منفعل، چرا که موفقیت یا شکست حکومت بر عهده آنان است و نه هیچ کس دیگر. در ازای آن، مقامات حکومتی می دانند که باید برخورد با تمام شهروندان، یکسان باشد و رشوه خواری جایی در حکومت مردم سالار ندارد.

★ در یک نظام مردم سالار، افراد ناراضی از رهبران جامعه می توانند آزادانه و در آرامش، شرایط تغییر را فراهم سازند — یا در زمان انتخابات به کسانی غیراز رهبران حاکم رای دهند.

★ برای سلامت حکومت های مردم سالار، رای دادن گاه به گاه مردم کافی نیست. توجه، وقت و تعهد عده زیادی از شهروندان که خواستار حمایت دولت از حقوق و آزادی هایشان هستند، لازم است.

- در حکومت مردم سالار، شهروندان به احزاب سیاسی می پیوندند و برای پیروزی نمایندگان منتخبشان مبارزه می کنند. آنان این حقیقت را می پذیرند که ممکن است قدرت همواره در دست حزب آنان نباشد.
- آنان آزادند نامزد انتخابات شوند یا مدتی در جایگاه مقامات منتخب مردم به خدمت بپردازند.
- آنان برای طرح مسایل محلی یا کشوری از مطبوعات آزاد استفاده می کنند.
- آنان به عضویت اتحادیه های کار، گروه های اجتماعی و انجمن های تجاری درمی آیند.
- آنان به عضویت نهاد های داوطلبانه خصوصی فعال در زمینه علایقشان درمی آیند. این سازمان ها ممکن است در زمینه مذهب، فرهنگ قومی، مطالعات آکادمیک، ورزش، هنر، ادبیات، بهبود اوضاع محل، تبادل بین المللی دانشجویان یا موضوعات فراوان دیگری فعال باشند.
- تمام این گروه ها — بدون آن که فاصله شان از حکومت، اهمیتی داشته باشد - در پرمایگی و سلامت مردم سالاریشان سهیم هستند.

بیل فریچ، رهبر هیئت ژوری در مورد پرونده ای جنایی در ایالات متحده، در حالیکه بقیه اعضا به او گوش می کنند، قاضی را از رای این هیئت مطلع می کند. (عکس از آلامی لیمیتد)

تحصیلات و مردم سالاری

تحصیل حق جهانی بشر است. این حق همچنین وسیله ای برای دست یافتن به سایر حقوق بشر و ابزار قدرت بخش اجتماعی و اقتصادی است. کلیه کشورهای جهان از طریق اعلامیه جهانی حقوق بشر موافقت خود را با برخورداری همه انسان ها از حق تحصیل اعلام کرده اند.

★ همه جوامع، عادات ذهنی، معیارهای اجتماعی، فرهنگ و مطلوبات خود را از یك نسل به نسل دیگر منتقل می کنند. ارتباط مستقیمی بین تحصیلات و ارزش های مردم سالاری وجود دارد: در جوامع مردم سالار، مطالب و تمرین های درسی از روش های حاکمیت مردم سالار حمایت می کنند.

★ این روند انتقال آموزشی در یك حکومت مردم سالار ضروری است، زیرا نظام های مردم سالار تاثیر گذار، حکومت هایی پویا و رو به تکامل هستند که به تفکر مستقل شهروانندنشان نیاز دارند. شرایط تحولات مثبت اجتماعی و سیاسی در دستان شهروندان قرار دارد. حکومت ها نباید تحصیلات را وسیله ای برای کنترل اطلاعات و شستشوی مغزی دانش آموزان و دانشجویان بدانند.

★ حکومت ها باید همانگونه که در دفاع از شهروندانشان می کوشند برای آموزش، ارزش قایل شوند و منابع لازم آن را فراهم سازند.

★ سواد آموزی برای مردم، امکان کسب آگاهی را از طریق روزنامه ها و کتاب ها فراهم می سازد. شهروندان آگاه برای ارتقا مردم سالاری در جایگاه بهتری قرار دارند.

★ نظام های آموزشی حکومت های مردم سالار، مانع از آموزش نظریه های سیاسی دیگر یا روش های حکومتی نمی شوند. حکومت های مردم سالار دانش آموزان و دانشجویان را به طرح بحث های منطقی بر اساس پژوهش دقیق و درك کامل تاریخ تشویق می کنند.

★ گروه های خصوصی و مذهبی باید در تاسیس مدارس آزاد باشند یا اولیا می توانند آموزش فرزندانشان را در منازل انتخاب نمایند.

★ مدارس دولتی باید بدون در نظر گرفتن پیش زمینه قومی یا مذهبی، جنسیت یا ناتوانی های جسمی به طور مساوی در اختیار همه شهروندان باشند.

★ اصول و رسوم مردم سالاری باید آموزش داده شوند تا مردم از امکانات و مسئولیت هایشان به عنوان شهروندان آزاد آگاه شوند و قدر آنها را بدانند.

★ آموزش برای تابعیت مردم سالارانه شامل آگاهی از تاریخ کشور و جهان و اصول بنیادین مردم سالاری است.

★ برنامه آموزشی حکومت های مردم سالار شامل تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، ادبیات، فلسفه، حقوق، هنرها، علوم اجتماعی، ریاضی و علوم است که در اختیار همه دانش آموزان و دانشجویان — اعم از دختر و پسر — قرار دارد.

★ دانش آموزان و دانشجویان باید همچنین در تشکیل کانون ها و انجام فعالیت هایی که اصول مردم سالاری در آنها به اجرا در می آید آزاد باشند. به عنوان نمونه:

- رهبری دانش آموزان و دانشجویان باعث تجربه اندوزی آنان در روند مردم سالاری می شود.
- انتخابات آزمایشی به دانش آموزان و دانشجویان مشارکت شهروندان را آموزش داده، عادت رای دادن دایمی را در آنها پرورش می دهد.
- انتشارات مربوط به مدرسه به دانش آموزان نقش رسانه آزاد و خبرنگاری مسئولانه را آموزش می دهد.
- کانون های مدنی باعث افزایش ارتباط با اجتماعات بزرگتر می شوند.

۱۱ مارس ۲۰۰۴، هواخواهان حزب های سیاسی مختلف در خیابان ها در طی مبارزات انتخاباتی در جاکارتا، اندونزی.

(عکس از دیتا آلانکارا / آسوشیتد پرس)

انتخابات آزاد و عادلانه

انتخابات آزاد و عادلانه به مردمی که در اجتماع دموکراسی پارلمانی زندگی می کنند اجازه می دهد تا ساختار سیاسی و مسیر سیاست گذاری های آتی دولت خود را تعیین کنند.

★ انتخابات آزاد و عادلانه احتمال انتقال صلح آمیز قدرت را افزایش می دهد. چنین انتخاباتی تضمین می کند که نامزدهای بازنده، اعتبار نتایج انتخابات را می پذیرند و قدرت را به دولت جدید واگذار می کنند.

★ انتخابات، به تنهایی، دموکراسی را تضمین نمی کند زیرا دیکتاتورها می توانند از امکانات دولتی جهت مداخله و تحریف روند انتخابات استفاده کنند.

★ انتخابات آزاد و عادلانه مستلزم امور زیر است:

- حق رای همگانی برای تمام مردان و زنان واجد شرایط رای دادن — جوامع دموکراسی این حق را از اقلیت ها و از کار افتاده ها نمی گیرند یا فقط این حق را به با سوادها یا افراد صاحب دارایی نمی دهند.
- آزادی ثبت نام به عنوان یک رای دهنده یا نامزد شدن برای احراز پست دولتی
- آزادی بیان برای نامزدها و احزاب سیاسی — جوامع دموکراسی محدودیتی برای نامزدها یا احزاب سیاسی، در انتقاد از عملکرد مقامات مسئول فعلی قائل نیستند.
- فرصت های بسیار برای هیئت انتخاب کنندگان جهت دریافت اطلاعات بی طرفانه از مطبوعات آزاد
- آزادی گردهمایی برای برگزاری برنامه ها و تجمعات سیاسی
- قوانینی که لازم بدانند نمایندگان احزاب در روز انتخابات از محل های رای گیری دور باشند — کارمندان انتخابات، کسانی که به صورت داوطلبانه در محل های رای گیری مشغول به فعالیت هستند و بازرسین بین المللی می توانند در روند رای گیری به رای دهندگان کمک کنند نه در انتخاب شخصی که به آن رای می دهند.
- سیستمی بی طرف یا متعادل برای برگزاری انتخابات و رسیدگی در مورد صحت و سقم نتایج آن — کارمندان آموزش دیده انتخابات می بایست از لحاظ سیاسی وابسته به حزبی نباشند و اینکه افراد ناظر بر انتخابات باید از میان نمایندگان احزاب شرکت کننده در انتخابات باشند.
- محل های رای گیری در دسترس عموم، فضای خصوصی برای رای دادن، صندوق های رای گیری محفوظ و شمارش آراء به صورت شفاف.
- رای گیری مخفی — رای گیری از طریق برگه های رای مخفی این امر را تضمین می کند که انتخاب حزب یا نامزدی از سوی فرد نمی تواند بر علیه او استفاده شود.
- منع قانونی تقلب در انتخابات — باید قوانین لازم الاجرایی برای جلوگیری از دستکاری در رای گیری وجود داشته باشند (مانند شمارش دوباره، رای دادن افراد غیر واقعی).
- روند شمارش دوباره و رسیدگی به اعتراضات — پروسه ها و مکانیسم هایی برای بررسی مجدد مراحل انتخابات باید به اجرا درآید تا تضمین کند که انتخابات به صورت صحیح انجام شده اند.

★ روش های رای گیری — در کشورهای مختلف و حتی در یک کشور به طرق مختلف انجام می شود که به شرح زیر می باشند:

- برگه های رای کاغذی — رای ها بر روی کاغذ علامت زده یا سوراخ می شوند.
- برگه های رای با عکسی از نامزدها یا نمادهای احزاب تا شهروندان بی سواد بتوانند رای درست را به صندوق ها بیاندازند.
- سیستم الکترونیکی — رای دهندگان به وسیله دستگاه هایی با صفحه نمایش لمسی یا کلید فشاری رای می دهند.
- برگه های رای افراد غایب — به افرادی که قادر نیستند در روز انتخابات در رای گیری شرکت کنند اجازه می دهد که برگه های رای را قبل از انتخابات به صندوق ها بیاندازند.

اصول و مبانی دموکراسی

دیگر اجزای پایه ای دموکراسی

مجموعه آوا
Ava Collection

فدرالیسم

هنگامی که گروه های متفاوتی از مردم آزاد با زبان ها، باورهای مذهبی یا معیارهای فرهنگی متفاوت زندگی در چهار چوب قانون اساسی واحدی را انتخاب می کنند، انتظارشان این است که از استقلال محلی و امکانات برابر اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشند. در نظام حکومتی فدرال که قدرت در سطوح محلی، منطقه ای و کشوری تقسیم می شود اختیارات در دست مقامات منتخبی قرار می گیرد که سیاست های متناسب با نیازهای محلی و منطقه ای را در نظر می گیرند و به کار می بندند. آنان با حکومت کشوری و یکدیگر همکاری می نمایند تا مشکلات فراوان کشور را از سر راه بردارند.

★ فدرالیسم نظام تقسیم قدرت و تصمیم گیری بین دو یا چند حکومت است که به صورت آزاد انتخاب شده اند و حوزه اختیاراتشان، مردم و مناطق جغرافیایی مشترکی را در بر می گیرد. این نظام امکان تصمیم گیری در مواردی که نتایج آن به سرعت مورد نیاز است — هم در اجتماعات محلی و هم در سطوح بالاتر حکومتی — را ایجاد و از آن حمایت می کند.

★ فدرالیسم پاسخگو بودن حکومت را در برابر مردم افزایش می دهد و با فراهم ساختن امکان طرح و اجرای قوانین محلی، به مشارکت مردمی و مسئولیت پذیری آنان کمك می نماید.

★ نظام فدرال، توسط يك قانون اساسی مکتوب اختیار دهنده و تعیین کننده مسئولیت های مشترك مربوط به هر سطح از حکومت تقویت می شود.

★ در عین حال که معمولا بر سر برآوردن نیازهای محلی توسط حکومت محلی، توافق وجود دارد، بهترین راه برخورد با برخی از مسایل، سپردن آنان به حکومت کشوری است. به عنوان نمونه می توان از موارد دفاع، معاهده های بین المللی، بودجه های فدرال و خدمات پستی نام برد.

★ دستورات محلی، نشانگر اولویت های اجتماعات محلی برای زندگی است. گشت پلیس و آتش نشانی، اداره مدارس و قوانین بهداشت و ساختمانی از جمله مواردی هستند که اغلب به صورت محلی طرح و اجرا می شوند.

★ در نظام فدرال، روابط میان حکومتی بدان معنا است که حکومت های مختلف (کشوری، منطقه ای و محلی) در زمان نیاز به برخورد مشارکت آمیز در مسایل مربوط به اختیارات قانونی، با یکدیگر همکاری می کنند. میانجی گری در اختلافات بین منطقه ای اغلب از اختیارات حکومت کشوری است.

★ در کشوری که از لحاظ جغرافیایی پهناور و دارای اقتصادی متنوع است، نابرابری های موجود در درآمد و تامین اجتماعی مناطق می تواند از طریق تدابیر توزیع مجدد مالیات ها به وسیله حکومت کشوری رفع شود.

★ نظام فدرال، پاسخگو و همه گیر است. شهروندان در تمام سطوح می توانند نامزد کسب مقامات حکومتی شوند. حکومت های محلی و منطقه ای بیشترین مقام ها و شاید بیشترین شرایط را برای ایجاد تحول در اجتماعاتشان فراهم می سازند.

★ فدرالیسم امکانات متعددی را برای احزاب سیاسی در جهت خدمت به انتخاب کنندگانشان فراهم می سازد. حتی اگر يك حزب در قوای مقننه و مجریه، دارای اکثریت نباشد، اجازه مشارکت در سطوح محلی و منطقه ای را دارا است.

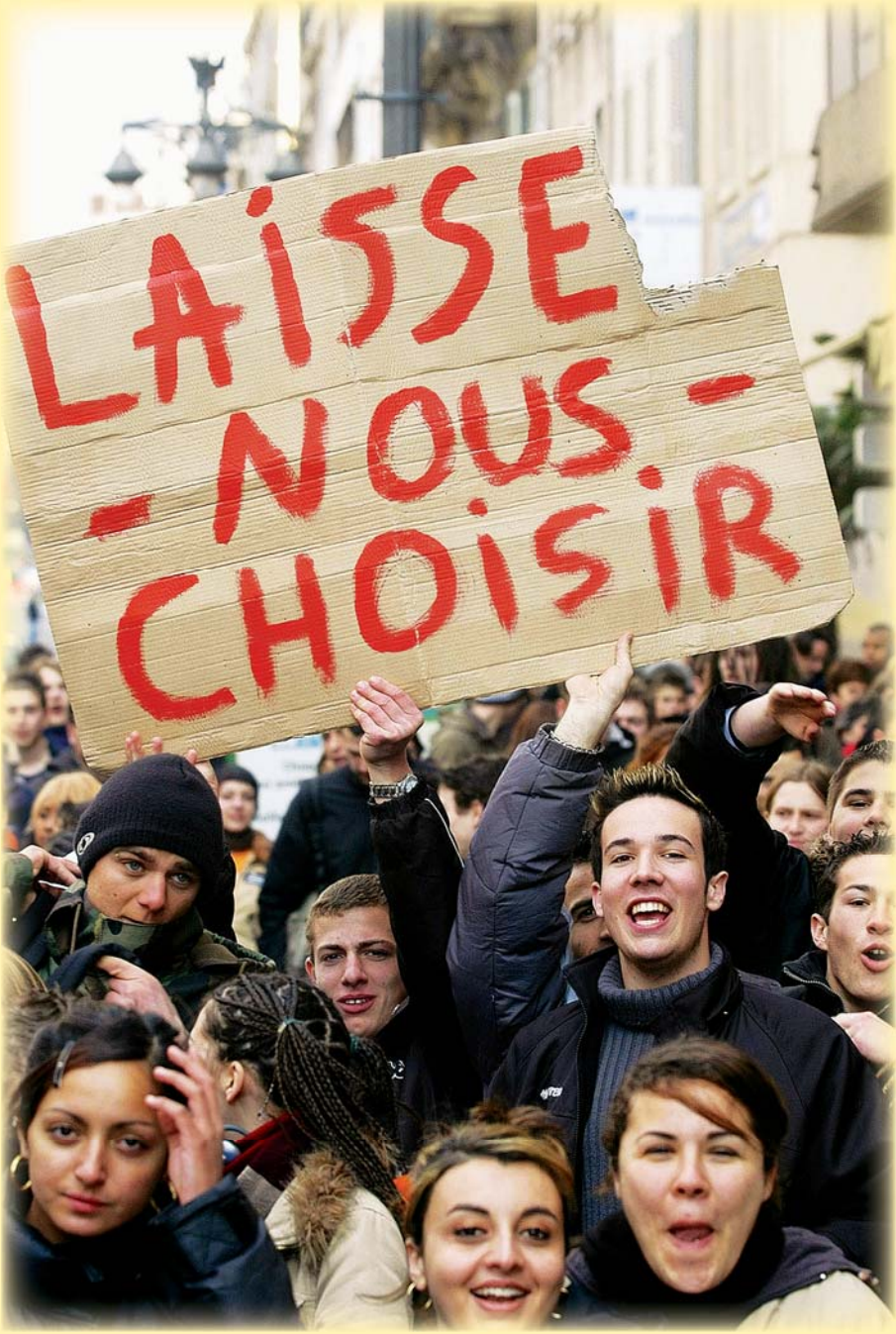

اول مارس ۲۰۰۵، دانشجویان فرانسوی با شعار "بگذارید ما انتخاب کنیم" در طی یک راهپیمایی در مارسی، جنوب فرانسه، برای جلوگیری از برنامه های دولت برای اصلاح سیستم آموزش و پرورش. (عکس از کلاد پاریس/ آسوشیتد پرس)

قدرت اجرایی

رهبران حکومت های مردم سالار، با موافقت مردم حکومت می کنند. قدرت این رهبران به دلیل تسلط بر ارتش ها یا ثروت اقتصادی نیست. دلیل این قدرت، احترام به حدودی است که رای دهندگان در انتخابات آزاد و عادلانه برای آنان قایل شده اند.

★ افراد در حکومت های مردم سالار، طی انتخاباتی آزاد، مراکز قدرتی را که توسط قانون تعریف شده اند به رهبرانشان می سپارند. در مردم سالاری قانونی، قدرت ها به نحوی تقسیم بندی می شوند که قوه مقننه به وضع قوانین بپردازد، قوه مجریه آن ها را به کار بندد و به مرحله اجرا درآورد و قوه قضاییه به طور مستقل فعالیت نماید.

★ سران حکومت های مردم سالار نه مستبدان منتخب و نه "روسای جمهور مادام العمر" هستند. آنان برای زمان مشخصی قدرت را در دست می گیرند و نتایج انتخابات آزاد را حتی اگر به مفهوم کناره گیری شان از قدرت حکومتی باشد می پذیرند.

★ در حکومت های قانونی مردم سالار، حدود قدرت اجرایی معمولا به سه طریق مشخص می شود: توسط یك نظام بررسی و سنجش که قوای مجریه، مقننه و قضاییه را از یکدیگر جدا می سازد؛ توسط فدرالیسم که قدرت را بین حکومت کشوری و حکومت های ایالتی/ منطقه ای تقسیم می کند؛ و توسط ضمانت های قانونی حقوق اساسی.

★ حدود قدرت اجرایی در سطح کشوری توسط مرجعیت قانونی که در شاخه قانون گذار قرار داده شده است و نیز یك دستگاه قضایی مستقل، مشخص می شود.

★ قدرت اجرایی در حکومت های مردم سالار امروزی معمولا به یکی از این دو صورت سامان دهی می شود: نظام شورایی یا نظام ریاست جمهوری.

- در نظام شورایی، حزب اکثریت مجمع قانونگذار، شاخه اجرایی حکومت را به ریاست نخست وزیر، تشکیل می دهد.
- در نظام شورایی، شاخه های قانونگذار و اجرایی کاملا از یکدیگر مجزا نیستند، چرا که نخست وزیر و اعضای کابینه از درون مجلس انتخاب می شوند. در چنین نظام هایی، مخالفان سیاسی وسیله اصلی محدود نمودن یا نظارت بر عملکرد اجرایی به شمار می روند.
- در نظام ریاست جمهوری، رئیس جمهور جدا از اعضای هیئت قانونگذار انتخاب می شود.
- در نظام ریاست جمهوری، رییس جمهور و هیئت قانونگذار، هر کدام مبانی قدرت و حوزه های سیاسی خود را دارا هستند تا بتوانند در حین خدمت، یکدیگر را ارزیابی و سنجش نمایند.

★ حکومت های مردم سالار، تنها خواهان دولت هایی محدود و نه ضعیف هستند. در نتیجه توافق بر سر مسایل کشوری ممکن است به کندی صورت گیرد، اما زمانی که محقق شد، رهبران این حکومت ها می توانند با قدرت و اطمینان زیاد، دست به کار شوند.

★ سران حکومت های مردم سالار قانونمند، فعالیت هایشان را همواره در چهارچوب قانون که قدرتشان را تعریف و حدود آن را مشخص می سازد، می گنجانند.

عکس بالا: ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۵، رئیس جمهور فرانسه، ژاک شیراک (راست) و رئیس جمهور برزیل لوئیز ایگناسیوس لوکا دا سیلوا(چپ)، رژه نظامی در شانزه لیزه، به مناسبت جشن استقلال فرانسه را تحسین می کنند. در ردیف پشت سر، چندین عضو از سران دولت فرانسه. (عکس از ژاک برینو/ آسوشیتد پرس) عکس زیرین: ۱۹ آوریل ۲۰۰۶، قانونگذاران حزب حاکم اوری کره جنوبی، در مجلس ملی کشور به نخست وزیر هان میونگ سوک (راست) تبریک می گویند. پارلمان کره جنوبی با پذیرفتن خانم هان به این مقام، راه او را به عنوان اولین زن برای دسترسی به مقام دوم کشور گشودند. (عکس از چون سو یانگ/ آسو شیتد پرس/ یونهاپ)

قوه مقننه

نمایندگان منتخب در یك حکومت مردم سالار — اعضای مجلس، شورا یا کنگره — وظیفه دارند که به مردم خدمت کنند. آنان وظایفی بر عهده دارند که برای سلامت یك حکومت مردم سالار ضروری است.

★ در یك حکومت مردم سالار نمونه، مجامع قانونگذار منتخب، محل اصلی شور، بحث و گذراندن قانون به شمار می روند. این مجالس ماشین های تاییدی نیستند که تنها تصمیمات یك رهبر مستبد را به تصویب برسانند.

★ اختیارات نظارت و تفحص به مجامع قانونگذاری اجازه می دهد که مقامات حکومتی را بخاطر اعمال و تصمیماتشان زیر سوال برند و گذشته از آن بر عملکرد وزارتخانه های گوناگون حکومتی — به ویژه در نظام ریاست جمهوری که مجمع قانونگذار جدا از قوه اجرایی است ـ نظارت داشته باشند.

★ هیئت های قانونگذار می توانند بودجه های کشور را به تصویب برسانند، در موارد ضروری جلسه غیر رسمی برگزار نمایند و صاحب منصبان اجرایی را در دادگاه ها و وزارتخانه ها مورد تایید قرار دهند. در برخی از حکومت های مردم سالار، کمیته های قانونگذار برای قانونگذاران امکان بررسی علنی مسایل کشور را فراهم می سازند.

★ هیئت های قانونگذار ممکن است از حکومت پشتیبانی کنند یا تبدیل به مخالف سیاسی شوند که سیاست ها و برنامه های متفاوتی را پیشنهاد می دهند.

★ قانونگذاران وظیفه دارند نظراتشان را به کارآمدترین نحو ممکن و به روشنی بیان نمایند. اما آنان باید به شکیبایی و احترام که اصول اخلاقی مردم سالاری به شمار می روند پایبند باشند و برای رسیدن به توافق هایی که به نفع آسایش همه مردم — و نه فقط حامیان سیاسی شان — است، مصالحه نمایند. هر عضو هیئت قانونگذار باید به تنهایی تصمیم بگیرد که چگونه بین منفعت عمومی و نفع انتخاب کنندگان محلی اش توازن برقرار نماید.

★ قانونگذاران، اغلب برای رای دهندگان شان جلساتی تشکیل می دهند و مشکلات و اعتراضات شخصی شان را جهت همدردی با آنان — و نیز برای یاری طلبیدن از افراد حکومتی — مطرح می سازند. آنان اغلب برای این منظور دارای یك گروه از مشاوران آموزش دیده اند.

★ قانونگذاران کشوری معمولا به یکی از این دو طریق انتخاب می شوند. در انتخابات مستقیم که گاه "اکثریت نسبی" نامیده می شود، نامزدی که بیشترین آرا را کسب کند، انتخاب می گردد. در شیوه انتخاب احزاب که اغلب برای انتخابات مجلس به کار می رود، رای دهندگان معمولا به احزاب و نه به افراد رای می دهند و نمایندگان بر پایه درصد رای به دست آمده حزبشان گزیده می شوند.

★ شیوه انتخاب احزاب، زمینه را برای احزاب کوچکتر چندگانه و به شدت سازمان یافته فراهم می سازد. انتخابات مستقیم نظام را به سوی شیوه غیر منسجم دو حزبی هدایت می کند. در هر دو شیوه، نمایندگان در مباحثات، مذاکرات، تشکیل ائتلاف ها و مصالحات که صفات بارز مجامع قانون گذار حکومت های مردم سالار به شمار می روند، شرکت می کنند.

★ مجامع قانونگذار اغلب دو مجلسی و دارای دو بخش هستند و قوانین جدید باید از هر دو مجلس بالاتر و پایین تر گذرانده شوند.

عکس بالا: موضوع روز در مجلس کانادا اکثرا به یک مباحثه تبدیل می شود. این روند شامل وضع قانون، عنوان های کلی، و یا مسائل منتخب حزب های اصلی می باشد. (عکس از درک سندز/ آسو شیتد پرس) عکس زیرین: اول اکتبر ۱۹۹۶، حرکت قضات بریتانیایی در لباس ها و کلاه گیس های سنتی خود در صفوف منظم از کلیسای وست مینستر به پارلمان انگلیس. این حرکت که معمولا پس از یک عبادت کوتاه در کلیسای وست مینستر به انجام می رسد نشانگر آغاز سال قانونی می باشد. (عکس از ژاکلین آرتز/ آسو شیتد پرس)

احزاب سیاسی

برای محافظت و حمایت از حقوق و آزادی های فردی، یک جامعه مردم سالار باید به کمک یکدیگر حکومت مورد نظرشان را پایه ریزی کنند و راه اصلی دستیابی به این هدف، وجود احزاب سیاسی است.

★ احزاب سیاسی، سازمانهایی داوطلب برای ایجاد پیوند بین مردم و حکومت هستند. احزاب، نامزدهایی را در نظر می گیرند و برای انتخاب شدن آن ها به سمت های دولتی مبارزه می کنند و مردم را برای انتخاب رهبران حکومتی آماده می سازند.

★ حزب اکثریت (یا حزبی که برای گرداندن دولت انتخاب می شود) سعی می کند تعدادی برنامه و سیاست را به قانون اضافه کند. احزاب اپوزیسیون می توانند از سیاست حزب اکثریت انتقاد و پیشنهاد های خودشان را مطرح کنند.

★ احزاب سیاسی راهی را برای شهروندان باز می کنند تا بتوانند مقامات حزب منتخب را به خاطر عمل کردشان در حکومت، مورد سوال قرار دهند.

★ اعتقاد احزاب سیاسی مردم سالار به اصول مردم سالاری باعث می شود که آنان به دولت انتخابی، حتی اگر از حزب خودشان نباشد احترام بگذارند و آن را به رسمیت بشناسند.

★ مانند تمام حکومت های مردم سالار، اعضای احزاب مختلف، معرف فرهنگ های گوناگونی هستند که از آن ها برخاسته اند. برخی از این احزاب کوچک هستند و کنار مجموعه ای از اعتقادات سیاسی شکل گرفته اند. بعضی دیگر بر اساس منافع اقتصادی یا پیشینه مشترک، سازمان یافته اند. احزاب باقی مانده، مجموعه هایی غیر منسجم از شهروندانی متفاوت هستند که ممکن است تنها هنگام انتخابات گرد هم آیند.

★ مصالحه و صبر، از ارزش های تمام احزاب سیاسی مردم سالار- چه جنبش های کوچک و چه نیروهای ائتلاف بزرگ مردمی - به شمار می روند. احزاب می دانند که تنها از طریق اجتماعات بزرگ و همکاری با احزاب سیاسی و سازمانهای دیگر می توانند رهبری و دید مشترکی را که منجر به حمایت مردمی شود، به دست آورند.

★ احزاب مردم سالار از بی ثباتی و تغییر پذیری عقاید سیاسی آگاه هستند و می دانند که آرا مشترک، اغلب می تواند از تقابل نظرها و ارزش ها در مباحثات آرام، آزاد و مردمی به دست آید.

★ نیروهای مخالف قانونمند از مفاهیم اصولی همه حکومت های مردم سالار به شمار می رود. این بدان معنا است که در سیاست، تمام جناح ها — با همه تفاوت هایشان — در ارزش های اساسی آزادی بیان و اعتقاد به قانون اساسی و بهره مندی یکسان مردم ازپشتیبانی قانون، مشترک هستند. جناح های بازنده انتخابات، در غالب نیروهای مخالف به فعالیتشان ادامه می دهند و اطمینان دارند که نظام سیاسی از حق آنان برای ایجاد تشکل ها و اعتراض علنی، حمایت می کند. در زمان مقرر، حزب آنان امکان مبارزه برای جلب نظر و کسب آرا مردم را خواهند یافت.

★ در حکومت مردم سالار، کشمکش بین احزاب سیاسی است، نه نزاع برای بقا، چرا که هدف از رقابت خدمت به مردم است.

عکس روی جلد: ۱۴ دسامبر ۲۰۰۶، برلین، آلمان: سخنرانی آنجلا مرکل، صدر اعظم آلمان در پارلمان ، درباره ریاست آتی مجلس اتحادیه اروپا توسط این کشور. (عکس از شان گالوپ/ تصاویر گتی)

مجموعه آوا
Ava Collection

اوت ۲۰۰۵، دانسک، لهستان: بیست و پنج سال پس از تاسیس اتحادیه مستقل صنفی همبستگی توسط کارگران لهستانی، مردی یک نشان یادبود برپا می دارد. (عکس از آسوشیتدپرس)

وزارت امور خارجه آمریکا، دفتر برنامه های اطلاعات بین المللی

حکومت از طریق ائتلاف و سازش

هر جامعه شامل گروههایی از مردم با دیدگاه های متفاوت نسبت به مسایل پر اهمیت برای تمام شهروندان است. حکومت مردم سالار آزاد این امر را منفعتی برای مردم می داند و در نتیجه از شیوه بردباری در برابر بیان دیدگاه های متفاوت حمایت می کند.

★ حکومت های مردم سالار زمانی به موفقیت دست می یابند که سیاستمداران و مقامات آنها دریابند در مواجه با مسایل پیچیده، کمتر می توان به راه حل هایی که "درست" یا نادرست" بودن آنها یقینا آشکار باشد دست یافت واینکه تعابیری متفاوت از اصول مردم سالاری و اولویت های اجتماعی وجود دارند.

★ آزادی گردهمایی و رسانه ها، بحث آزاد و تبادل نظر را پرورش می دهند. این آزادی برای حکومت ها امکان شناخت مشکلات را فراهم می سازد و به گروهها اجازه می دهد تفاوت ها را ببینند و به حل آنها مشغول شوند. (در بخش خصوصی همین "عرضه نظرات" امکان خلاقیت و سرمایه گذاری هایی را فراهم می سازد که موتورهای رشد اقتصادی به شمار می روند.)

★ ائتلاف زمانی پدید می آید که گروه های مشترك المنافع یا احزاب سیاسی حتی اگر بر سر مسایل دیگر به شدت با یکدیگر ضدیت داشته باشند، در زمینه علایق مشترکشان به هم می پیوندند. سازش با تصمیمات مهم به حکومت اجازه می دهد تا به امر رهبری بپردازد.

★ بخش های قانون گذار حکومت های مردم سالار برای گذراندن قوانین بر ساختار ائتلافی متکی هستند:

- در نظام پارلمانی، گروه های سیاسی مشارکت هایی را با گروه های دیگر ترتیب می دهند تا خواسته های خود را ارتقا بخشند و حکومت ها را ایجاد نمایند.
- در نظام ریاست جمهوری، گاه قانونگذاران برای رای دادن در زمینه مسایل بسیار پر اهمیت برای خودشان و انتخاب کنندگانشان، مرز احزاب را می شکنند.

★ ائتلاف اغلب خواستار آن می شود که یك حزب سیاسی به کنار گذاشتن تفاوت های مشخصی با گروه های دیگر تن در دهد تا دستیابی به بخش های مهم تری از برنامه ها امکان پذیر گردد.

★ از آنجا که حکومت های ائتلافی از احزابی تشکیل می شوند که گاه دارای دیدگاه های متضاد هستند، امکان فروپاشی حکومت وجود دارد. در برخی از حکومت های مردم سالار تشکیل ائتلاف دارای قدرت و انحلال آن حتی تا چند بار در سال به چشم می خورد.

عکس بالا: پخش غذا توسط اعضای سازمان غیر دولتی بنگلادشی به قربانیان سیل در یک پناهگاه در داکا در سال ۲۰۰۴. بیش از ۷۰۰ تن در این سیل ها در بنگلادش جان سپردند. (عکس از فارانجا گادهولی/ اِسترینجر/ آژانس فرانس پرس- تصاویر گتی)

عکس سمت راست: مارس ۲۰۰۷، بیروت، لبنان: یک مرد لبنانی جای دست خود را بر روی تخته سیاه، در جریان طرح " بیدار شو، مراقب باش" باقی می گذارد. (عکس از گریس کساب/ آسو شیتد پرس)

نقش سازمان های غیردولتی

در جوامع دموکراسی، شهروندان عادی می توانند گروه های مستقلی را سازمان دهند که در خدمت نیازهای جامعه یا کشوری باشند که در آن زندگی می کنند؛ اقدامات دولت را تکمیل و کمبودهای آن را جبران کنند و حتی این اقدامات را زیر سؤال ببرند. اغلب به چنین سازمان هایی، سازمان های غیر دولتی یا ان. جی. او. (NGO) گفته می شود، زیرا آنها زیر مجموعه ادارات دولتی نیستند.

★ ان. جی. او. ها با آموزش و حمایت از مسائل مهم اجتماعی و در کانون توجه قرار دادن این مسائل، و همچنین با نظارت بر نحوه عملکرد دولت و موسسات اقتصادی خصوصی به شهروندان اجازه می دهند تا جامعه خود را بهتر کنند.

★ ان. جی. او. ها شهروندانی را که از مناطق مختلف گرد هم آمده اند، قادر سازند تا کار کردن با یکدیگر و همچنین مهارت ها، روابط و اطمینانی را که مستلزم یک دولت خوب است، یاد بگیرند.

★ ان. جی. او. ها در موارد بسیاری در خدمت منافع شهروندان هستند. آنها می توانند به عنوان ارائه کنندگان خدمات اجتماعی، مدافعان محیط زیست یا استانداردهای زندگی و استانداردهای شغلی یا به عنوان کاتالیزوری در تغییرات دموکراتیک عمل کنند.

★ ان. جی. او. ها معمولا نماینده منافع شهروندانی هستند که بدون چنین ساختاری از مناظرات سیاسی ملی به دور می ماندند. آنها بحث و تبادل نظرهای عمومی را در دسترس تمام مردم از هر طبقه اقتصادی و اجتماعی که باشند و زنان و اقلیت ها قرار می دهند.

★ بودجه ان. جی. او. ها از راه کمک های بلاعوض افراد، سپرده های خصوصی و کمک های افراد بشر دوست، شرکت ها، بنیادهای مذهبی، بنیادهای بین المللی، ان. جی. او. های دیگر، حراج کالاها، و حتی دولت ها تامین می شود.

★ دولت ها و ان. جی. او. ها اغلب به عنوان شریک با یکدیگر کار می کنند. ان. جی. او. ها می توانند برای انجام پروژه هایی با سرمایه گذاری دولتی، از بین مردم عادی مهارت ها ی لازم و کارکنان محلی و منطقه ای را فراهم آورند. ان. جی. او. ها می توانند از لحاظ سیاسی غیروابسته باشند، یا ممکن است بر اساس اندیشه های حزبی بنا نهاده شده و در صدد باشند تا هدفی مشخص یا یک سری از هدف ها را در جهت منافع عمومی پیش ببرند. به هر شکل، نکته اصلی این است که ان. جی. او. ها باید قادر به انجام فعالیت با حداقل کنترل سیاسی دولت باشند.

★ ان. جی. او. ها برنامه های محلی و بین المللی، تقریبا در تمامی زمینه ها، که به گسترش اصول دموکراسی کمک کند، ایجاد می کنند. این برنامه به شرح زیر هستند:

- حقوق بشر — از طریق ترویج و گسترش استانداردهای بین المللی و نظارت بر عدم سوء استفاده و تجاوز به حقوق دیگران
- حکومت قانون — از طریق کمک های قانونی رایگان یا با هزینه پایین، آموزش تمام شهروندان در مورد حقوقشان و جانبداری از اصلاحات قانونی.
- حضور زنان — از طریق آماده کردن ایشان برای حضور و مشارکت در عرصه سیاسی و حمایت از آنها در برابر تبعیض های اجتماعی- اقتصادی
- آموزش های مدنی — از طریق آموزش برنامه هایی که بر نقش شهروندان در یک جامعه متنوع، تکثرگرا و دموکراتیک متمرکز است.
- مطبوعات آزاد — از طریق حمایت و گسترش رسانه های گروهی مستقل، تربیت روزنامه نگاران و اعمال استانداردهایی برای روزنامه نگاری اخلاقی.
- ایجاد احزاب سیاسی — از طریق انتخاباتی که به وسیله ناظرین آموزش دیده همان کشور نظارت می شود و ایجاد انگیزه برای نام نویسی رای دهندگان غیر حزبی.
- پاسخگویی دولت — از طریق تجزیه و تحلیل سیاست های دولت و نظارت دقیق براقدامات دولتی.

یک پسر بچه اندونزی که در زلزله و سونامی ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴، زخمی شده بود، توسط پرسنل نظامی و امدادی آمریکا و استرالیا در فرودگاه باندا آچه اندونزی درمان می شود. (عکس از آندی ایمز/ آسوشیتد پرس)

ارتباطات مدنی — نظامی

مسائل مربوط به جنگ و صلح مهم ترین مسائلی هستند که یک ملت می تواند با آن روبرو شود و در زمان بحران، بسیاری از ملت ها برای اداره امور به نیروهای نظامی خود روی می آورند.

اما در جوامع دموکراسی اینطور نیست.

در جوامع دموکراسی، جنگ و صلح و سایر تهدیدات علیه امنیت ملی پر اهمیت ترین مسائلی هستند که جامعه با آن روبرو می شود و در نتیجه، مردم باید از طریق نمایندگان منتخب خود در خصوص این قبیل مسائل تصمیم گیری کنند. یک ارتش دموکراتیک ملت خود را رهبری نمی کند، بلکه به آن خدمت می کند. رهبران نظامی به رهبران منتخب مشاوره داده و تصمیماتشان را اجرا می کنند. فقط آنانی که منتخب ملت اند اختیار و مسئولیت تصمیم گیری در خصوص سرنوشت ملت را دارند.

در نتیجه، تصور رهبری غیر نظامی ها بر نظامیان یک لازمه بنیادی برای دموکراسی است.

★ غیر نظامی ها باید نیروهای نظامی کشور خود را رهبری و در خصوص مسائل مربوط به دفاع ملی تصمیم گیری کنند. نه به این دلیل که با تدبیر تر از نظامیان هستند، بلکه چون آنها نمایندگان منتخب مردم هستند و به همین دلیل، مسئول اخذ چنین تصمیمات و پاسخگو بودن به مردم اند.

★ در دموکراسی، ماموریت نیروهای نظامی دفاع از کشور و آزادی های ملت است و نماینده و یا حامی هیچ دیدگاه سیاسی، و یا قومیت یا گروه اجتماعی خاصی نیست. وفاداری آن نسبت به ایده آل های اکثریت ملت، قانون مداری، و اصل دموکراسی است.

★ تسلط غیر نظامی ها متضمن این است که ارزش ها، نهاد ها، و سیاست های کشور را مردم آزادانه انتخاب نموده اند، نه نیروهای نظامی. هدف نیروهای نظامی دفاع از جامعه است، نه تعریف آن.

★ هر دولت دموکراتیک ارزش زیادی برای تخصص و مشاوره های نظامیان خود به منظور دستیابی به سیاست های دفاعی و امنیت ملی قائل است. مسئولین غیر نظامی برای مشاوره تخصصی در امور نظامی و اجرای تصمیمات دولت به نیروهای نظامی وابسته اند. اما، این تنها رهبران غیر نظامی منتخب اند که باید تصمیم گیری های نهایی را انجام دهند که این تصمیمات را نیروهای نظامی در قلمرو خود به اجرا در می آورند.

★ چهره های نظامی البته می توانند مانند هر شهروند دیگر، در امور سیاسی کشور خود مشارکت داشته باشند — اما فقط به عنوان یک رای دهنده. نظامیان باید قبل از اشتغال به امور سیاسی از خدمت نظام بازنشسته شوند؛ نیروهای مسلح باید از سیاست جدا بمانند. نظامیان خدمتگزاران بی طرف کشور و نگهداران جامعه هستند.

★ در نهایت، تسلط غیر نظامیان بر نیروهای نظامی کشور متضمن این است که مسائل دفاعی و امنیت ملی کشور، ارزش های اساسی دموکراتیک مانند حکومت اکثریت، حقوق اقلیت، آزادی بیان، آزادی دین، و مراحل تشریفات قانونی را تحت الشعاع قرار نداده و به خطر نیندازد. همه رهبران سیاسی مسئولیت دارند که تسلط بر غیر نظامیان را اعمال و همه نظامیان مسئولیت دارند که از دستورات قانونی صاحب اختیاران غیر نظامی اطاعت کنند.